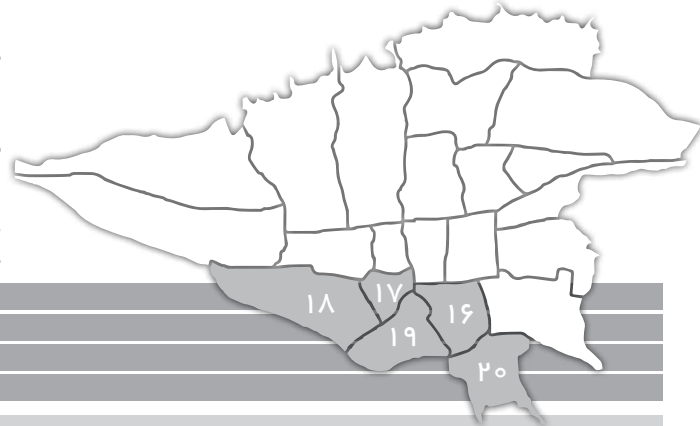


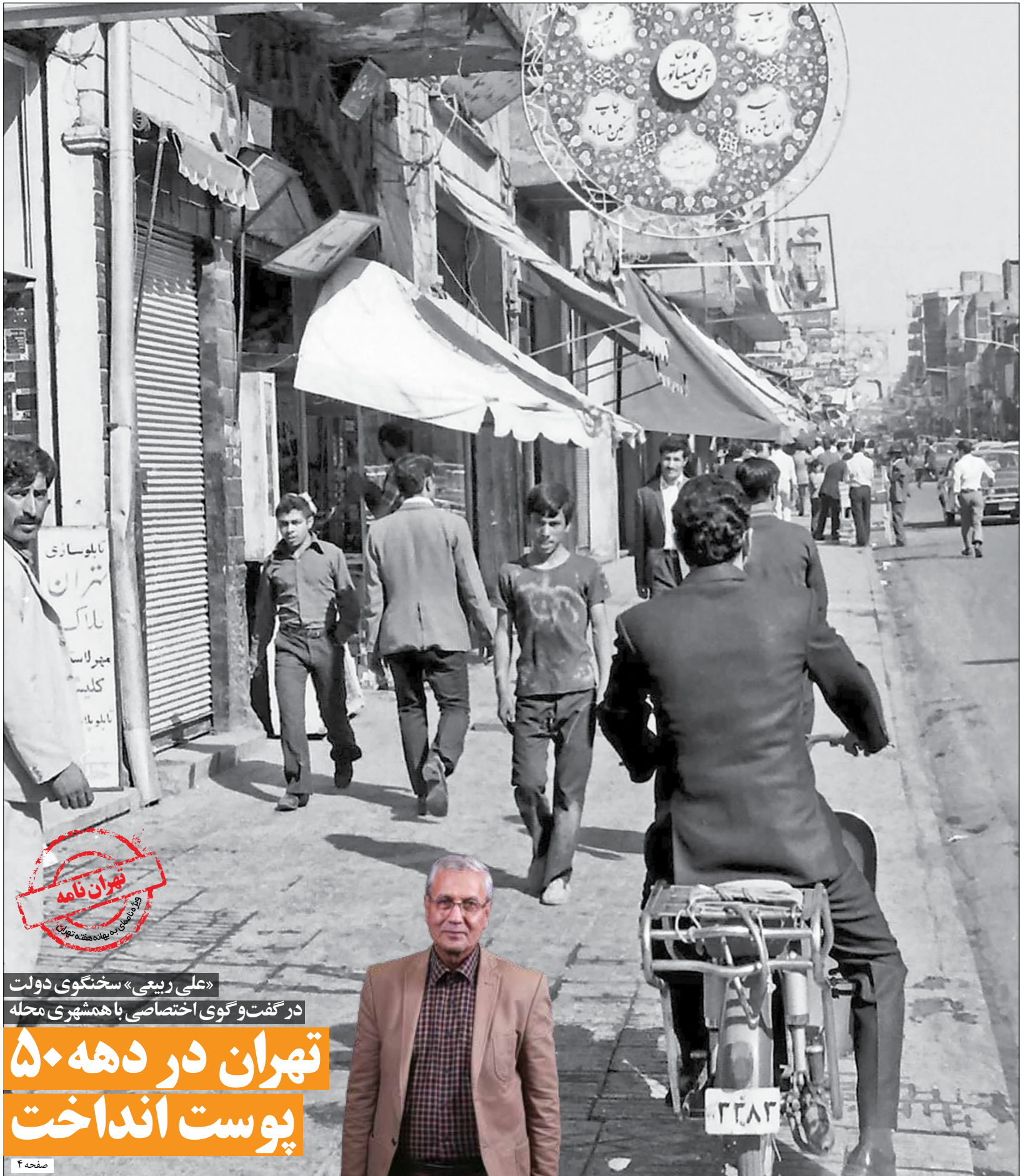
جایگاه و اهمیت ری در گفت‌وگو با
عضو شورای اسلامی شهر تهران

میراث ۸ هزار ساله را حفظ کنیم

شهری با قدمتی ۸ هزار ساله بخش عمده‌ای از تاریخچه شهر تهران را به خود اختصاص داده است. یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان و دارنده میراث تاریخی غنی که به سبب...



- چهارشنبه
- ۱۶ مهر ۱۳۹۹
- سال شانزدهم / شماره ۷۷۲
- ۱۶ صفحه



«علی ربیعی» سخنگوی دولت
در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری محله

تهران در دهه ۵۰ پوست انداخت

علی توکلی، شهردار منطقه ۱۹
دروازه جنوبی پایتخت
اینجاست

شهردار منطقه ۱۸ تاکید کرد
تحول محله‌ها با پروژه‌های کوچک مقیاس



نگاهی به تاریخ شهر تهران از زمانی که تهران کهن به‌عنوان پایتخت ایران نامگذاری شد (۱۴ مهر ۱۲۸۶) تا به امروز که شکل متفاوتی از فضای زیستی و بافت قدیمی خود گرفته، گویای تحولات عمده در بستر جغرافیایی محله‌های آن است. در این میان منطقه ۱۹ با برخورداری از محله‌هایی با قدمت دهه ۴۰ در حاشیه و جنوب شهر تهران قرار گرفته و به‌عنوان دروازه ورودی پایتخت محسوب می‌شود. گذر تاریخی این منطقه را از زمان وقوع اصلاحات ارضی و بافت‌روستایی این منطقه آغاز می‌کنیم و در گام بعدی به کمربند شدن این بافت و توسعه صنعتی و کارگاه‌های رسی که نقش مهمی در گسترش فرایند مهاجرت‌ها داشت، اما با وقوع جهش بزرگ مالی و یجران‌های اقتصادی، مالی و کالبدی تا سال ۵۳ به‌ویژه در حاشیه شهرها شاهد مهاجرت‌ها و شکل‌گیری محله‌های مختلف این منطقه هستیم که به تدریج تا سال ۶۶ نیز توسعه شدت‌یاب جمعیت و رشد محله‌های مسکونی خانی‌آباد، شهرک شریعتی، جنوب فرودگاه قلعہ مرغی، عبدالآباد، نعمت‌آباد و... به‌صورت جزیرهای مسکونی و پراکنده اتفاق می‌افتد.

توسعه کالبدی منطقه ۱۹ پس از سال ۶۶ به‌عنوان دوره ثبات توفنی در پیوستگی بافت‌های پراکنده و تأمین و احداث کاربری‌های خدمات شهری، تجهیزات و تأسیسات شهری دیده می‌شود. در کلامی کوتاه منطقه ۱۹ شهرداری تهران یکی از مناطق جنوبی پایتخت است و به رغم آنکه در سال ۵۷ در محدوده خدماتی شهر تهران جای گرفت، اما از سال ۴۳ در مسیر تحول خود در جریان فرایند جذب، استحاله و دگرگونی وسیعی قرار گرفت که با رشد شهر تهران همه نقاط حاشیه‌ای دست‌خوش آن شدند. پس می‌توان گفت مراحل تحول این منطقه جدا از تحول کالبدی شهر تهران و نیازهای آن ارزیابی نمی‌شود.

این سخن مقدمه‌ای بود برای ورود و تحلیل عصر حاضر این منطقه. منطقه‌ای که در حال حاضر با وسعتی بیش از ۹ هزار هکتار، ۵۸حیه و ۱۳ محله، شامل مراکز، شبکه‌های ارتباطی پیوندهنده، مبانی ورودی و نیز اماکن شاخصی همچون مرقد مطهر امام خمینی(ره)، بهشت زهرا(س)، بوستان بزرگ ولایت، بازارچه شهید افسرانی، کورده‌های اجریری، میدان مرکزی میوه‌تره‌بار شهر تهران و مرکز خرید و فروش همگانی خودرو است. و اما ناگفته نیست که عناصر اصلی یک شهر را شهروندان آن تشکیل می‌دهند و ضرورتی که در سیر تاریخی ایران به شکل‌گیری شهرداری با همان بلندیه سابق انجامید، ارائه خدمات برای آبادانی محل حیات و رفیع نیازهای شهری مردم بود. امروز نیز مدیریت شهری پایتخت و به تبع آن مدیران شهری مناطق شهر تهران می‌کوشند تا با تمرکز بر ایجاد و توسعه عادلانه خدمات و امکانات، رضایت شهروندان را جلب کرده و آنچه را که چشم‌انداز توسعه‌ای شهر تهران محسوب می‌شود، محقق سازند. بنابراین هدف غایی خدمات شهرداری در حوزه‌های مختلف خدمات شهری و فضای سبز، ترافیکی و حمل‌ونقل، شهرسازی و اجتماعی و فرهنگی رسیدن به شهری آباد با امکاناتی برابر و عادلانه برای همگان است.

امروز مدیریت شهری عزم خود را بر آن نهاده تا به این مهم دست یابد و با حضور و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر به‌عنوان اصلی مهم در تحقق‌پذیری توسعه پایدار، تهران را به شهری برای همه تبدیل کند. شهرداری منطقه ۱۹ نیز در این مسیر پرتلاش همراه با شهرداری تهران و سایر مناطق عزم خود را جزم کرده است تا شناسایی نیازهای محله‌ها و اجرای آنها در قالب پروژه‌های توسعه‌ای، کارنامه خدماتی خود را مزین به مهر ارتقای منطقه و رضایت شهروندان کرده و هر روز خود را به فعالیت‌های توسعه این کلانشهر کهن اختصاص دهد.

اما در تقویم سرزمین ایران با همت شورای اسلامی شهر تهران در سال ۹۵، روز ۱۴ مهر را به‌عنوان روز تهران نامگذاری کردند تا بهانه‌ای باشد برای یادآوری گذشته، حال و آینده این کهن شهر تاریخی. ضمن ارج نهادن به تلاش‌های همه آنانی که در ساختن این شهر کوشیدند و یاری همه شهروندان آن در ساختن پایتختی آباد، هفته تهران را گرامی می‌داریم.

مرداد سال ۸۴ سیلوی یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید.

۱۹

سالی است که نازآباد (نازی‌آباد) به نازخاتون بخشیده شد.

۱۳۳۱

سالی است که خانه‌سازی و خیابان‌کشی در منطقه ۱۷ آغاز شد ولی بر این ساخت‌وسازها نظارتی وجود نداشت و بسیاری از ساختمان‌ها در حریم راه‌آهن ساخته شدند.

۱۳۳۳

فرهاد افشار، شهردار منطقه ۲
ظرفیت‌های گردشگری
شهری را احیا می‌کنیم



اقتصاد شهری مناطق از هویت شهری آنها تأثیر می‌پذیرد و ظرفیت‌های هویت‌بخشی موجود در شهر تاریخی ری می‌تواند به‌عنوان موتور محرک اقتصاد این شهر مورد استفاده قرار گیرد. هویت تاریخی- مذهبی و شخصیت‌های شاخص مدفون در ری می‌توانند موجب ارتقای اقتصاد این شهر شوند. شهرداری باستانی قدیمی بیش از ۸ هزار سال و بیش از ۱۹۵ بنای تاریخی دارد که از دوره‌های پیش از تاریخ قبل از اسلام و دوره‌های اسلامی به جا مانده است. منطقه ۲۰ در شهر باستانی ری واقع شده و مکان‌های تاریخی- مذهبی مانند بقاع قدیمی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، امامزاده طاهر(ع) و امامزاده حمزه(ع)، امامزاده عبدالله(ع)، بی‌بی‌بهار، بی‌بی‌زینبیه و ابن‌بابویه زینت بخش این منطقه است. آجرهای بنای برج طغرل با بیش از ۹ هزار سال قدمت، دیواره چشمه‌علی به جا مانده از عهد اشکانیان و قلعه گبری ۲ هزار و ۲۰۰ ساله به جا مانده از دوران زرتشتیان، هر بیننده‌ای را به اعجاب تاریخ می‌برد. آتشکده ری یاقیمده از دوره ساسانیان، «استودان گبرها» گورستانی به جسی مانده از زرتشتیان، زندان هارون‌الرشید دوره آل بویه، برج نقره‌خانه، ارگ سلجوقی و گنبد امیرانپنج در شهری جای گرفته‌اند تا علاقه‌مندان هنر و تاریخ را میهن خود کند. ری از نظر قدمت، عصر بابل، نینوا، دوران ماد، هخامنشی و اشکانی را به خود دیده است. شهری در سده‌های نخستین اسلام از مهم‌ترین بلاد به شمار می‌آمد و در دوره‌های مختلف تاریخی پایتخت ایران زمین بوده است. ری آرامگاه خاموش صدها تن از پادشاهان و شیوه زیستن‌شان بر پیکره تاریخ حک شده و سرنوشت و تاریخ این مرز و بوم را رقم زده‌اند. مبارزانی که مردانه ایستادند و عارفان، علما و دانشمندانی که اندیشه‌های خود را شبانه در زیر چراغ کم سوی بی‌سوز برای خدمت به بشریت و انسانیّت بر برگ‌های کاغذی نگاشتند تا ره توشه نسل‌های آینده باشند. اینجا مزار ستارخان؛ مبارزه دوران مشروطه، دهخدا، شاعر، نویسنده و اندیشمند ایرانی، شیخ رجبعلی؛ خیاط و عارف بزرگ، ذکریای رازی؛ کاشف الکت و داروساز و شیخ ابوالفتح رازی؛ مفسر بزرگ شیعه اسکت، صوفی رازی یکی از بزرگ‌ترین منجمان تاریخ بشری که شهرتش در دنیا پیچیده، باعجه‌بمان و جهان‌پهلوان تختی که برای شرح زندگی و اختراقریغینی‌شان نگارش صدها کتاب نیز کم است در ری آرامیده‌اند. اینجا مدفون جلال آل‌احمد؛ بزرگ نویسنده ایرانی، استاد حسین بهزاد از بزرگ‌ترین معمار ایرانی، حاج میرزا صفا از شخصیت‌های بزرگ دوره قاجاریه است. این خاک پیکر میرزاده عشقی؛ شاعر، حسین میرخانی؛ استاد خط، میرزا ابوالحسن طباطبایی ملقب به جلوه و روح‌الله وزیری، شاعر بزرگ را در خود جای داده است. ری آرامگاه ابدی دکترفاطمی وزیر دولت مصدق، دکتر فروزانفر یکی از بزرگ‌ترین استادان زبان و ادبیات فارسی، شیخ کلینی؛ فقیه مشهور و طبیب؛ مرد مبارز دوران پهلوی و ناصرالدین شاه قاجار و همسرش است. وجود حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) و امامزادگان در کنار آثار تاریخی و باستانی شرایط متمایزی را برای منطقه ۲۰ فراهم آورده و استفاده از ظرفیت‌های این شهر باعث ارتقای فرهنگ عامه، جذب گردشگر و رونق اقتصادی می‌شود. منطقه ۲۰ به واسطه هویت شهری خاص ری متفاوت از سایر مناطق است و رونق کسب و کار، توسعه ظرفیت‌های گردشگری و تبدیل شهری به قطب گردشگری، زیارتی و سیاحتی از برنامه‌ها و اهداف مدیریت شهری منطقه است. در این راستا حریم پیرامون ری، سرمایه عظیمی است که ظرفیت‌های گردشگری این منطقه را گسترش داده است.



حمود کلهری، شهردار سابق منطقه ۱۷ و شهردار منطقه ۵
چشم‌انداز منطقه ۱۷ در تهران ۱۴۰۰

شاید کمتر کسی بداند که در بین ۵۲ هفته یک سال شمسی، هفته‌ای به نام تهران و در بین ۳۶۵ روز سال، یک روز به نام تهران نامگذاری شده است. این نامگذاری ۴ سال پیش در شورای اسلامی شهر تهران اتفاق افتاد و اعضای شورا در سال ۱۳۹۵ یک صورت‌جلسه پیشنهادی به شورای فرهنگ عمومی کشور برای تعیین روز تهران در تقویم عمومی کشور را تصویب کردند و بالاخره «تهران» هم صاحب روزی شد و به مناسبت دیویس و سی امین سالگرد اعلام تهران به‌عنوان پایتخت، از این پس هر سال ۱۴مهر به نام «روز تهران» رسند خورد. از ۲۳۵ سال قبل که آقامحمد خان قاجار تهران را به‌عنوان پایتخت ایران انتخاب کرد تا امروز که این شهر به‌عنوان قطب اقتصادی و سیاسی ایران شناخته می‌شود، آبستن اتفاقات و تغییراتی زیادی بوده است. همزمان با ورود تکنولوژی به جامعه، تغییر در سبک زندگی و تغییر در مسائل اجتماعی و فرهنگی، تهران نیز سعی کرده پا به پای پایتخت‌های بزرگ جهان از سنت به مدرنیته قدم بردارد. تهران چه به لحاظ وسعت، چه جمعیت و چه رشد و فن‌آوری، سال به سال بهتر می‌شود و بیش از همیشه سیمای یک پایتخت بین‌المللی را به خود می‌گیرد. پایتخت پهنسوار ایران از بعد زیبایی‌های بصری با برج‌های دیدنی و ساختمان‌های مدرن، با تغییر رویکرد از خانه‌نشینی به آپارتمان‌نشینی، گسترش حمل‌ونقل عمومی از درشکه



در زمان انتشار
ویژه‌نامه، باخبر شدیم
«حمود کلهری» به عنوان
شهردار منطقه ۵ انتخاب و
از شهرداری منطقه ۱۷
تودیع شد.

«علی ربیعی» سخنگوی دولت
در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری محله

تهران در دهه ۵۰

رضا نیکنام

می‌خواهد یک منظومه از دلتنگی‌ها و عاشقانه‌های محله جوادی به بنویسد تا شاید بین نسل دیروز و امروز محله ارتباطی برقرار کند. او عقیده دارد که رنگ و بوی محله‌های امروز تهران با احوال قدیم خیلی فرق کرده و در این باره دلایلی را عنوان می‌کند که حاصل سال‌ها تحقیق و پژوهش و تدریس برای دانشجویان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور است. به مناسبت هفته فرهنگی تهران سراغ «علی ربیعی» سخنگوی دولت رفتیم تا درباره تهران به‌ویژه محله جوادی به که در آنجا بزرگ شده است، برایمان حرف بزند.

سخنگوی دولت دوران تحصیل در مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در مدارس محله جوادی به گذرانده است. مدرسه پرورش نخستین جایی است که او آنجا القاب زندگی را آموخته و به خاطر دارد که آن وقت‌ها معماری ساختمان و اتاق‌های این مدرسه به گونه‌ای بود که هر کسی وارد حیاط مدرسه می‌شد می‌فهمید که اینجا قبل از این محل نگهداری دام بوده و به دلیل کمبود امکانات آموزشی به مدرسه تبدیل شده است. این مدرسه پس از چندسال تخریب و بازسازی شد و اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۶ نامش را به مدرسه شهید اکبری تغییر داد.

بوی کشتارگاه به کلاس درس می‌رسید

«علی ربیعی» در ادامه درباره دوره نوجوانی‌اش و تحصیل در دوره دبیرستان در مدرسه رستاخیز برایمان صحبت می‌کند. این مدرسه نزدیک کشتارگاه همین قرار داشت و ربیعی با چهره‌های مشهوری مثل مرحوم «عمران صلاحی» شاعر، نویسنده، مترجم و طنزپرداز ایرانی و «عباس توفیق» کاریکاتورست، نویسنده، شاعر و سردبیر هفته‌نامه توفیق، هم‌کلاسی و رفیق صمیمی بود. همسایگی مدرسه رستاخیز با کشتارگاه خالی از دردها نبود. همیشه بوی خون دام‌ها در فضای مدرسه و کلاس‌ها می‌پیچید. بارها اتفاق افتاده بود که یک رأس گاو هم از ترس قربانی شدن از دست سلاخ‌ها فرار کند و از کوچه و خیابان جوادی به یا حیاط مدرسه رستاخیز سر درآورد. ربیعی به یاد دارد که این حادثه بارها تکرار شده بود و به همین دلیل بچه‌های مدرسه می‌دانستند که باید حواسشان جمع گاوهای فراری و عصبانی کشتارگاه باشد که هر لحظه امکان دارد از دست سلاخ‌ها بگریزد و شاید به مردم حمله کنند.

مهاجرت: تهران را بزرگ و بزرگ‌تر کرد

به عقیده سخنگوی دولت و استاد دانشگاه مفهوم «محله» در دهه‌های بین ۳۰ و ۴۰ اهمیت و نمود بیشتری داشته و از دهه ۵۰ به بعد با وقوع پدیده مهاجرت، مقوله شهر و شهرنشینی وارد فاز تازه‌ای شده و همان موقعی است که به قول معروف تهران شروع به پوست‌اندازی می‌کند و بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. وی می‌گوید: «دوره پهلوی اول، مربوط به نسل اول مهاجرت به تهران است. زمانی که کارخانه‌ها و شرکت‌های مختلف در گوشه و کنار تهران راه‌اندازی شدند و مدیران کارخانه‌ها از میان همین مهاجران کارگر می‌گرفتند؛ مثلاً وقتی در محدوده منطقه ۱۶، شرکت راه‌آهن و

کارخانه‌های ریسندگی، قند و شکر، روغن‌نیابتی، دخانیات، چیت‌سازی و انبارهای نفت یکی یکی راه افتادند، دوره جدیدی در تهران تجربه شد».

ربیعی عقیده دارد که نسل اول مهاجران به تهران، مفهوم جدیدی در ادبیات تهران به وجود آوردند با عنوان «حاشیه‌نشینی» که

در اغلب شهرها اتفاق می‌افتد. او برایمان توضیح می‌دهد: «در این دوره مهاجران به محله‌های مختلف تهران از جمله جوادی به شیوه زندگی روستایی را با زندگی محله‌ای درمی آمیختند و سبک تازه‌ای به وجود آوردند و مفاهیمی مثل «هم‌محله‌ای»، «بچه‌محله»، «ریش سفید» و «بزرگ محله» بین مردم جا افتاد. با مهاجرت اقوام مختلف به نقاط مختلف تهران از جمله جوادی به، نازی‌آباد و... تغییرات زیادی در محله‌ها ایجاد شد. به تعبیری دیگر آنها بخشی از حال و هوای روستای خود را در یک محله کوچک‌تر در دل تهران ایجاد کردند. برای همین حسینیه‌ها، مساجد و تکایبی در محله‌ها ساخته شد که هویت فرهنگی اقوام گوناگون را نشان می‌داد، مثلاً مسجد نمینی‌های مقیم تهران، حسینیه سرقینی‌های مقیم تهران، تکیه سساوه‌ای‌ها و... همچنین آن‌ها زمان برخی اصناف و مشاغل به دست اقوام خاصی افتاد. مثلاً بیشتر گیج‌کارها ارگی بودند یا تانوایی‌های بربری متعلق به زنجانی‌ها

و سنگی‌ها برای قمی‌ها بود.» وی همستگی مردم در آن زمان را خاص عنوان می‌کند و می‌گوید: «آن زمان اهالی، خانه یکی بودند. مشکل یک نفر در محله، مشکل همه به حساب می‌آمد و همه اهالی از حال و روز همدیگر خبر داشتند. یادم می‌آید پنجره کوچکی در آشپزخانه ما وجود داشت که به خانه همسایه باز می‌شد. زن همسایه از طریق همین پنجره فرسوده، حفظ میراث تاریخی و... هم دیده می‌شود و بودجه‌ای که برای شهری و مناطق جنوبی دیگر تصویب می‌کنند، پادرسد رشد مناطق شمالی تفاوتی ندارد. این تبعیض و تفاوت در تهران کاملاً مشهود است و باید مدیریت شهری سعی در از بین بردن آن و حفظ جایگاه اصلی هویت‌های شهر داشته باشد.»

فصل دوم مهاجرت پس از پیروزی انقلاب

ربیعی با توجه به تحقیق و پژوهش‌هایی که درباره شکل‌گیری تهران انجام داده عنوان می‌کند که فصل دوم مهاجرت اقوام مختلف به تهران پس از پیروزی انقلاب آغاز شد، یعنی دوران واگذاری زمین‌های ارزان‌قیمت و مجانی در تهران. وقتی مهاجران نسل دومی در زمین مجانی و ارزان خانه ساختند، محله‌هایی مثل افسریه و خاک‌سفید نیز متولد شد. ضمن اینکه موضوع به همین‌جا ختم نشد چون بعد از مدتی حاشیه‌نشینی از جنوب تهران به غرب و شرق تهران هم رسید.



جایگاه و اهمیت ری در گفت‌وگو با
عضو شورای اسلامی شهر تهران

میراث ۸هزار ساله را حفظ کنیم

زهرا بلندی

شهری با قدمتی ۸هزار ساله بخش عمده‌ای از تاریخچه شهر تهران را به خود اختصاص داده است. یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان و دارنده میراث تاریخی غنی که به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش در دسته مناطق جنوبی شهر قرار گرفته و عنوان بیستمین نقطه شهر را به خود اختصاص داده است. به مناسبت روز تهران سراغ «حسن خلیل‌آبادی» عضو شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش رفتیم. بررسی وضعیت این محدوده تاریخی از شهر را از منظر این ساکن شهری در این مصاحبه می‌خوانید.

جایگاه شهری را در تهران حفظ

می‌بینید؟ شهری تاریخی با ۸هزار سال قدمت، دارای آثار تاریخی فراوانی مثل چشمه‌علی، برج طغرل، بی‌بی شهربانو و... است، اما متأسفانه در حال حاضر از منظر شهرداری تهران جایگاهی مانند دیگر مناطق جنوبی شهر دارد و نگاه حداقلی به آن شده است. طی سال‌های گذشته به‌رغم شعارهایی که برای حفظ عدالت در بین مناطق شمال و جنوب شهر داده شده است پروژه‌های اجرا شده در جنوب شهر در مقایسه با مناطق شمالی بسیار ناچیز است. این نگاه حداقلی نه تنها در اجرای پروژه‌ها، بلکه در بهره‌مندی از امکانات، قیمت ساختمان‌ها، رفع بافت فرسوده، حفظ میراث تاریخی و... هم دیده می‌شود و بودجه‌ای که برای شهری و مناطق جنوبی دیگر تصویب می‌شود، با وجود مشکلات زیادی که به دوش می‌کشند، پادرسد رشد مناطق شمالی تفاوتی ندارد. این تبعیض و تفاوت در تهران کاملاً مشهود است و باید مدیریت شهری سعی در از بین بردن آن و حفظ جایگاه اصلی هویت‌های شهر داشته باشد.

شما به‌عنوان عضو ای اعضای شورا برای تحقق این اصل مهم چه اقدامی انجام داده‌اید؟

ما در دوره پنجم شورا تلاش کردیم این بی‌مهری‌ها را کاهش دهیم، اما تلاش ما خیلی موفق عمل نکرده و تأثیرگذار نبوده است. امیدوارم طی یک سال آینده اعضای شورای شهر تهران، ری و تجریش در جریان کاستی‌های مناطق جنوبی به‌خصوص منطقه ۲۰ گام‌های بزرگ‌تری بردارند. تلاش‌های اعضای شورای شهر در دوره پنجم برای شهری بیشتر در چه حوزه‌هایی بوده و چه نتایجی به همراه داشته است؟

طریق بتواند به مراکز تاریخی و فرهنگی توجه بیشتری داشته باشد، اما متأسفانه هنوز این سازمان گردشگری شکل نگرفته است. شهرداری و نظارت سازمان میراث فرهنگی و صنایع‌دستی و گردشگری باید با مشارکت یکدیگر وارد عمل شوند تا جایی مثل شهری به پایگاه ملی میراث فرهنگی و گردشگری تبدیل شود.

موضوعی که اخیراً مورد

اهمیت ویژه مدیریت شهری قرار گرفته، اجرای پروژه‌های کوچک مقیاس محلی است. این در توسعه مناطق جنوبی مثل تهران تأثیرگذاری چنین طرح‌هایی در جنوب

جنوب تهران محله‌هایی وجود دارد که شاید همه‌ها هیچ‌کاری برایشان انجام نشده است. اجرای پروژه‌های کوچک مقیاس نه تنها در شهری، بلکه در دیگر محله‌های جنوبی مثل مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ که معمولاً نمای ظاهریشان را به خوبی حفظ کرده‌اند، اما وقتی وارد عمق محله‌ها می‌شویم از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برند، مؤثر خواهد بود. در گاهی حتی موضوعی مثل ایجاد یک کانپو نهر جزء بزرگ‌ترین خواسته‌های شهروندان این مناطق است.

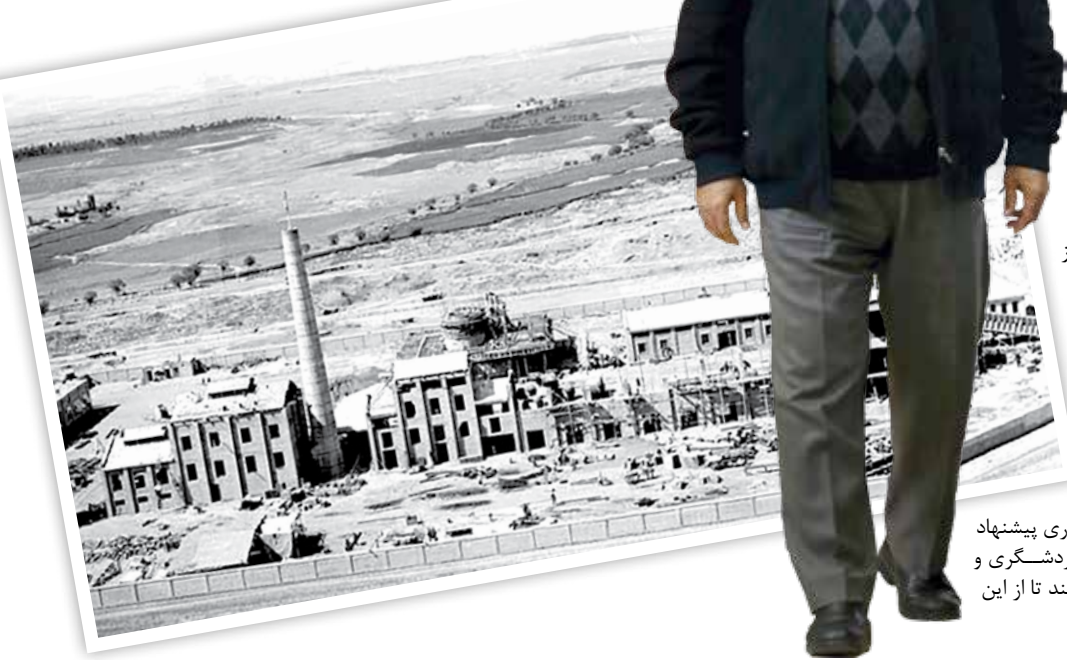
شهری جقدر می‌تواند مؤثر باشد؟

کشور به‌خصوص حوزه مدیریت شهری که در خط مقدم خدمت‌رسانی به مردم است ساری و جاری شود و این نکته را مدیران، محور اصلی امور خود قرار دهند.

زمانی مردم مشارکت می‌کنند که مدیران شهری برای آنها اهمیت قائل باشند. مدیران شهری باید بدانند که بدون مشارکت شهروندان، توسعه مفهومی ندارد. تا وقتی مردم در برنامه‌های شهر مشارکت نداشته باشند و نیازها و ایده‌های آنها مطرح نشود شاهد توسعه شهر و فعالیت‌ها نخواهیم بود. باید اصل مردم‌سالاری در همه فعالیت‌های کشور به‌خصوص حوزه مدیریت شهری که در خط مقدم خدمت‌رسانی به مردم است ساری و جاری شود و این نکته را مدیران، محور اصلی امور خود قرار دهند.

شهری شهری با ۸هزار سال قدمت، دارای آثار تاریخی فراوانی مثل چشمه‌علی، برج طغرل، بی‌بی شهربانو و... است، اما متأسفانه در حال حاضر از منظر شهرداری تهران جایگاهی مانند دیگر مناطق جنوبی شهر دارد و نگاه حداقلی به آن شده است.

رئه و زینست سالم برای انسان‌ها باشد عدالت هم در پی آن خواهد آمد. متأسفانه امروزه سهم آدم‌ها در مدیریت شهری کم شده و مشارکت ساکنان‌شان آباد شود.





«مهدی کلهر» معروف به «مهدی خان» آخرین خان یافت‌آباد است که در ۹۲ سالگی همچنان سرحال و سرزندگی را مثل سابق نگه داشته است. وارد خانه ویلایی مهدی خان در یافت‌آباد که می‌شوید، تابلو نقاشی سیاهرنگی از یک مرد با کلاه‌شاپو بر دیوار سالن پذیرایی نصب شده که با ابهت و غرور روی یک صندلی چوبی نشسته است. این عکس پدر مهدی خان، بزرگ کلهرهاست که در زمان حیاتش فرد سرشناسی بوده و ۵۰ آبادی دورتر او را می‌شناختند. در دوری که در تهران قدیم تعداد محدودی عکاسخانه وجود داشت و عکس گرفتن خیلی باب نبود، او از یک عکاس خارجی دعوت کرد تا به خانه‌اش بیاید و از او عکس یادگاری بگیرد. وقتی پدر کلهر فوت کرد، مهدی خان جانشین خان یافت‌آباد شد.

خاطره بازی با یکی از قدیمی‌های جنوب تهران

آخرین خان یافت‌آباد

مریم قاسمی

مهدی‌خان بر عصای چوبی‌اش تکیه می‌زند و از فرزندانش می‌گوید. او ۸ فرزند دختر و پسر دارد که هر کدام در گوشه‌ای از شهر برای خود خانه و زندگی مستقلی دارند. خان یافت‌آباد از زحمت‌هایی که برای تربیت فرزندانش کشیده صحبت می‌کند و می‌گوید: «در گذشته امکانات قلعه یافت‌آباد بسیار کم بود و بیشتر خانواده‌ها اجازه درس خواندن به بچه‌هایشان را نمی‌دادند.»

«مهدی کلهر» همه فرزندانش را وقتی به ۷ سالگی رسیدند، به مدرسه ادب در محله امیریه تهران فرستاد تا درس بخوانند و بسواد شوند. آن روزها امکاناتی مثل مترو، تاکسی و اتوبوس وجود نداشت. به همین دلیل رفتن به مدرسه به راحتی امروز نبود. خان یافت‌آباد تعریف می‌کند: «فرزندانش را هر روز با چند الاغ راهی مدرسه ادب می‌کردم.

سیلوی ۸۱ساله؛ یادگار قحطی گندم در جنگ جهانی دوم

یادگار نازی‌ها در تهران

سیلوی تهران که از آن به دفتر مرکزی شرکت غله و خدمات بازرگانی منطقه یک کشور یاد می‌شود، در زمینی به مساحت ۱۹۰ هزار و ۹۸ مترمربع ساخته شده و دارای امکانات، تجهیزات و ماشین‌آلات تخلیه و بارگیری گندم، کالای اساسی و سیستم‌های توزین استاندارد است. «سیلوی تهران» که به سیلوی شهید «جواد اسدالله‌زاده» مزین شده، ظرفیت ذخیره‌سازی ۶۰هزار تن گندم را دارد. دارای ۲۰۲کنده با توان تخلیه و بارگیری ۱۶۰تن در ساعت دارد و ۱۵باب انبار مسقف به مساحت کلی ۲۱هزار و ۷۳۸مترمربع در آن ساخته شده است که هر انبار تا ۳هزار و ۲۰۰مترمربع مساحت دارند. طراحی و ساخت سیلوی به دوران قبل از جنگ جهانی دوم، زمان «رایش سوم» یا به اصطلاح «رتش سرخ آلمان» و زمان سکونت نخستین گروه مهاجران نازی در تهران مربوط می‌شود.

همین دلیل همه امکانات و تجهیزات به کار رفته در بخش‌های مختلف آن ساخت آلمان است. یکی از دلایل نامگذاری این محله به نازی‌آباد نیز حضور آلمانی‌هایی بوده که آن زمان به عضویت حزب نازی یا همان ارتش سوری درآمدند و در محدوده ضلع جنوبی سیلوی سکونت داشتند. به همین دلیل این محل به طعنه به نازی‌آباد یعنی آبادی نازی‌ها معروف شد. وی عنوان می‌کند با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین، مهندسانی از شوروی سابق این پروژه را به پایان رساندند. سیلوی گندم تهران تا ۵۰سال قبل به ریل خط آهن تهران- اهواز متصل بود. بار گندم از طریق قطارهای باری به سیلوی تهران منتقل و از آنجا از طریق کامیون و تریلی به نقاط مختلف ارسال می‌شد. اکنون محل واگن خانه به ساختمانی متروکه تبدیل شده است.



جنگ، قحطی و دیگر هیچ

نکنه جالبی در زمینه تأثیرات جانبی فعالیت سیلوی تهران در ادبیات فارسی وجود دارد. شاید ضرب‌المثل قدیمی «تان کسی را آجر کردن» را شنیده باشید، این همان نکته تأثیرگذاری است که سیلوی تهران در ادبیات فارسی به جا گذاشته است. در زمان جنگ جهانی دوم و حضور نظامیان کشور شوروی از شمال و شرق و همچنین نیروهای بریتانیا از جنوب و غرب به ایران و اسفناک شدن اوضاع معیشتی مردم، سیلوی تهران به خاطر کمبود غلات به‌خصوص گندم در



گشتی در مجموعه تاریخی جنوب شهر روباه سرخ، ساکن نیروگاه ۵۶ساله

شرکت مدیریت تولید برق بعثت که از آن به‌عنوان نیروگاه برق بعثت یاد می‌شود، از مجموعه‌هایی است که بخشی از هویت تاریخی منطقه ۱۶ به شمار می‌رود. این نیروگاه که سال ۱۳۴۲ در زمینی به مساحت ۲۰هکتار در محله خزانه بخارایی ساخته شده است، دارای ۳واحد بخار (هر یک به قدرت تولید ۸۲/۵ مگاوات برق و در مجموع ۲۴۷/۵مگاوات برق) است. این مجموعه یکی از نیروگاه‌های کشور از نوع حرارتی است که در چند مرحله در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ وارد شبکه سراسری کشور شد. این نیروگاه بخشی از خط سراسری برق ایران است و دیوارهای بلند آن در فلکه دوم خزانه بخارایی چشم‌نوازی می‌کند. محوطه وسیع و سرسبزی دارد و در گوشه و کنار فضای سبز و لابه‌لای مشمashaها، تعدادی بچه روباه این طرف و آن طرف می‌دوند. بخش تأسیسات و کارگاه‌های تولید برق از جمله جاهایی است که به اندازه موزه ملی جذابیت دارد. فاصله

کندوهای خود و گرسنگی مردم از سوی دیگر، اقدام به راه‌اندازی کارخانه نان ماشینی در داخل سیلو کرد. مسئولان وقت سیلوی به دلیل کمبود گندم از انواع غلات برای تهیه آرد و پخت نان استفاده می‌کردند که در نتیجه نانی تیره رنگ، سفت و شبیه به آجر به دست می‌رسید. مردم هم به دلیل قحطی چاره‌ای جز خوردن آن نان نداشتند. رفته رفته مردم انتقاد کردند که با ماشینی شدن نان‌ها، نانوایی‌های شهر که به‌صورت سنتی نان می‌پختند، کارشان کساد شده و به این ترتیب به مرور وقتی کسی کاری می‌کرد که کار دیگری را کساد می‌کرد، می‌گفتند نان فلاخی را آجر کرد. البته «مصطفی رحماندوست» شاعر می‌گوید: «برای اثبات زمان پیدایش این ضرب‌المثل فارسی نیاز به تحقیق بیشتر در تاریخ ادبیات فارسی داریم.»



مؤثر بوده است. در دنیا عمر مفید نیروگاه‌های برق ۳۰سال است، اما نگهداری مناسب و مرمت و بازسازی تجهیزات آن می‌تواند این مدت زمان را بیشتر کند. نیروگاه برق بعثت نیز چنین است و توانسته با مراقبت و نگهداشت مناسب همچنان در ۵۶سالگی در چرخه تولید باقی بماند و نیاز برق بخشی از تهران را تأمین کند. راه‌اندازی تورهای گردشگری در محله‌ها و بازدید مثل زیستگاه روباه سرخ می‌تواند جاذبه توریستی نیروگاه را چندین برابر کند.

احمد مسجدجامعی، عضو شورای اسلامی شهر تهران:

جوادیه با اشعار «عمران صلاحی» شناخته شد

«من بچه جوادیه‌ام» از سروده‌های «عمران صلاحی» جدی‌ترین شعر در ادبیات سیاسی دهه ۵۰ است. صلاحی از بچه‌های جوادیه بود که با سرودن این شعر پرمعنا نام جوادیه را بر سر زبان‌ها انداخت، اما متأسفانه به لحاظ اجتماعی حق این شعر ادا نشده است. در سال ۱۳۴۱ محله جوادیه برای خود شهرداری مستقل داشت و شهردار وقت آن زمان در اجلاسی که برای بررسی ابعاد اجتماعی مسائل شهر تهران در دانشگاه تهران برگزار شده بود

سخرانی کرد و هیچ یک از سخرانان بعدی آن همایش نتوانستند در سخنان خود به مسائل مطرح شده از سوی شهردار جوادیه بی‌تفاوت باشند. در محله جوادیه چهره‌های سرشناس زیادی زندگی می‌کردند مانند «عمران صلاحی» نویسنده و «جواد فراداش» که مالک زمین‌های محله بسود. بنابراین بهتر است به تاریخچه شکل‌گیری این محله‌ها و انسان‌هایی که در این محله‌ها تأثیرگذار بودند توجه بیشتری داشت. تحلیل اجتماعی شعر «من بچه جوادیه‌ام» بسا محله جوادیه آغاز می‌شود، اما بی‌درنگ در آن از محله‌های نزدیک این محله مثل امیریه، منیریه، مختاری، شوش و سی‌متری جی یاد می‌شود تا یادآوری کند که ساکنان این محله‌ها مثل هم زندگی می‌کنند. او در این شعر به خوبی آسیب‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در محله‌های جنوب تهران را به تصویر کشیده است. غفلت و بی‌توجهی نسبت به تاریخ و فرهنگ محله‌ها و سبک زندگی گذشتگان آثار منفی جبران‌ناپذیری دارد و باید تلاش کنیم آینده محله‌های قدیمی مثل جوادیه را به نوعی رقم بزنیم که به قول شاعر انقدر مردم به یکدیگر اعتماد داشته باشند که در مروادات و تعاملات خود تکه نان یا تار موی سیبیل، درستی و صداقت کار آنها را ضمانت کند.



قطعه شعری از مرحوم «عمران صلاحی»

بربام‌ها

روبیده شاخه‌های فلزی بر بام‌ها باد دروغ می‌وزد موج فریب می‌گذرد و شاخه‌های خشک فلزی از این هوای تار و دروغین سرشار می‌شوند و پرپار می‌شوند	دزدان آفتابه من هم‌محل میوه‌فروشان دوره‌گرد من هم‌محل دردم این روزها دیگر چون بشکه‌های نفتم با کمترین جرقه می‌بینی تاگاه تا آسمان هفتم رفتم!
---	---



عکس: حسین تهرانی

مختصات

تاریخچه آیین‌ها و سنت‌های مذهبی در گفت‌وگو با پیرغلامان شهری

سیدالکریم (ع) قطب نمای فرهنگی پایتخت

رابطه تیموری گانگ

❖ ری کهنسال القاب و عناوین فراوانی مانند «قبله تهران»، «مادر تهران» و... را یدک می‌کشد که به پیشینه و تاریخچه پرافتخار این شهر تاریخی اشاره می‌کند. از گذشته این شهر بناهای تاریخی بسیاری به جامانده که هویت باستانی آن را یادآوری می‌کند، اما از آداب و رسوم قدیمی مردم شهری که جزئی از این هویت به شمار می‌آید، نشانه‌های چندانی باقی نمانده و رو به فراموشی است. وجود اماکن مذهبی مانند حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، بقعه‌های امامزاده طاهر (ع)، امامزاده حمزه (ع)، بی‌بی شهربانو و... سبب شده آیین‌ها و سنت‌های اصیل این شهر رنگ و بوی مذهبی و دینی به خود بگیرند. در هفته فرهنگی تهران از حاج «اکبر کاوه»، حاج «احمد شریبانی» و حاج «علی اکبر الفت» که از پیرغلامان اهلیت (ع) و اهالی قدیمی شهری هستند دعوت کردیم تا در حرم سیدالکریم (ع) دورهم جمع شوند و از آداب و رسوم قدیمی شهری بگویند. گزارش زیر نقل حکایت‌هایی است که این پیرغلامان و معتمدان شهری روایت کرده‌اند. ❏

حرم شاه عبدالعظیم (ع) چندان شلوغ نیست. اذان ظهر را گفته‌اند و عده‌ای از زائران در حالی که ماسک بر صورت و دستکش به دست دارند، در حیاط حرم مشغول نماز و دعا هستند. قرار است در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) جمع شویم، اما حاج «علی اکبر الفت» عسازان و به کمک فرزندش خود و مهمانان است. دقایقی طول می‌کشد تا پیرغلامان موسیپد، بغض و دلتنگی خود برآی حال و هوای محرم و صفر و اربعین‌های پیش از شیوع ویروس

ملک ری چگونه شاه عبدالعظیم (ع) شد

نقل حاج الفت به دوران صفویه می‌رسد که دوره پایتخت شدن و به عزت رسیدن قریه طهران و نادیده گرفتن موقعیت سیاسی، تجاری و اقتصادی شهری است. او می‌گوید: «آن زمان شهری ۲۰۰مسجد گلدست‌دار داشت، اما هنوز گلدسته حرم سیدالکریم (ع) ساخته نشده بود. پس از نصب گلدسته‌ها و تکمیل حرم ایشان در زمان صفویه، پای هیئت‌های مذهبی به شهری باز شد. نخستین هیئت مذهبی از شهر شیراز وارد ری شد که محل اقامت آنها به «کوچه شیرازی‌ها» شهرت پیدا کرد و هنوز هم این کوچه به همین نام شناخته می‌شود. دومین هیئت از قم و هیئت‌های بعدی از اردستان و سمنان وارد شهری شدند. بعدها ۲هئیت بزرگ نفرآباد، میدان بزرگ و هیئت قرانت قرآن کریم پا گرفتند و هیئت‌های کوچک‌تر در آنها منشعب شدند.» حاج «اکبر کاوه» از کم توجهی برخی از مسئولان به اصالت شهری گلایه دارد و شرایط نامناسب این شهر او را آزار می‌دهد. او نقل حاج الفت را ادامه می‌دهد و می‌گوید: «پیش از خاکسپاری حضرت عبدالعظیم (ع)، اینجا ملک ری نامیده می‌شد. پس از دفن ایشان، مردم به حرم‌شان «مزار عبدالعظیم (ع)» می‌گفتند و برای حضرت لقب و پیشوندی به کار نمی‌بردند. با تیز ناصردین شاه و دفن او در جوار حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، مردم در گویش عامیانه خود می‌گفتند «به زیارت شاه و عبدالعظیم (ع) می‌رویم». کم‌کم حرم ایشان به نام «شاه عبدالعظیم (ع)» شهرت پیدا کرد و حتی شهری هم به همین نام معروف شده بود.»

تحويل سال در حرم سیدالکریم (ع)

به قول حاج «احمد شریبانی» وجود بارگاہ حضرت عبدالعظیم (ع) هویت و آداب و سنن اهالی شهری را تحت تأثیر قرار داده است. او می‌گوید: «غلب رسوم مردم شهری با توسل به حضرت

وسپه‌لای که آمده بودند به تهران بر می‌گشتند.» حاج کاوه داستان معروف کباب شاه عبدالعظیم (ع) را این‌طور تعریف می‌کند: «استان از آنجا شروع می‌شود که پای ناصردین گشاه به زیارت حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و امامزاده حمزه (ع) باز می‌شود. ناصردین شاه ۸۷همسر داشت که ۴۲فرز آنها رسمی بودند و بقیه صیغه شاه وقتی شاه قصد زیارت از حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در شهری داشت، پیشخدمت‌های او مجبور بودند روز پنجشنبه به آن منطقه بروند و هزار تا ۲هزار کباب بر اساس دستور کباب‌های که همراه با سبزی و ریحان شاه عبدالعظیم (ع) سسرو می‌شد. این‌طور شد که شهرت کبابی‌های شهری بلندتر شد و از قبل آن، ضرب‌المثل‌هایی مثل تعارف شاه عبدالعظیمی نیز به وجود آمد. آن زمان یادوی کبابی‌ها جلو در دکان می‌ایستادند و زائران را چنان به داخل دکان کباب می‌خواندند که مشتری می‌کردند که زائر فکر می‌کرد این کباب یا نذری است یا صلواتی و به محض وارد شدن، قیمت کباب را می‌دید که جلو دیوار و روبه‌روی زائران با خط درشت نوشته شده. از اینجا بود که تعارف شاه عبدالعظیمی یک ضرب‌المثل و نشان‌دهنده ویژگی مردمان شهری شد.» البته روایت دیگری وجود دارد که گفته می‌شود تهرانی‌ها برای رفتن به شهری، بلیت رفت و برگشت قطار دودی می‌گرفتند. قطار صبح‌ها از تهران و عصرها از شهری به سمت تهران حرکت می‌کرد. بنابراین مسافرها باید خودشان را به هر نحو شده، به قطار می‌ساندند و به تهران و خانه‌هایشان بر می‌گشتند. عده‌ای از ساکنان شهری، به آنها تعارف می‌کردند که به خانه‌شان بروند. همین زمان این ضرب‌المثل بر زبان‌ها افتاد و می‌گفتند فلاحتی تعارف شاه عبدالعظیمی زد چون می‌دانند که بلیت قطار داریم و باید امروز به خانه خود برگردیم.

موسیدان شهری از خوراکی‌های سفره گذشتگان هم یاد می‌کنند. شریبانی می‌گوید: «مردم تهران قدیم طعم بسیاری از غذاهای لذیذ سفره‌های خود را نخستین بار در سفره‌خانه‌های شهری چشیدند. کباب و ریحان و ماست مخصوص از جمله این غذاها بود. حتی قبل از اینکه ماشین دودی تهران را به شهری وصل کند و مسافران تهرانی را به شهری بیاورد، افراد زیادی برای زیارت و سیاحت و خسودن کباب و ریحان بسا گازی یا پای پیاده، خود را به شهری می‌رساندند و بعد از خسودن نان و کباب داغ مغسوف و حضرت عبدالعظیم (ع)، در محوطه مضای باغ طوطی استراحت می‌کردند و تا هنوا تاریک نشده، با همان



ری به داشتن گندم مرغوب بسیار معروف بوده و حلیم ری، حلیم مرغ و حلیم بادمجاز از غذاهای محبوب اهالی قدیمی شهری باستانی محسوب می‌شد. نقل حاج کاوه به نوع نان سفره‌های اهالی ری می‌رسد. او می‌گوید: «قدیم نان‌های تنوری مثل نان سنگک پنجه‌خورده، کنجدی، سیاهدان‌های، دوباره تنور، قهوماهی و بغل تنور در نانواپی‌های شهری پخت می‌شد. نان سنگک همیشه مطبوع‌ترین نان و بعد از آن تاقنون بود که دوبار وارد تنور می‌شد و این نوع نان را بیشتر در خشکسوزی‌ها عرضه می‌کردند.» صحبت‌های حاج الفت نشان می‌دهد حال و هوای مذهبی شهری در آداب تدفین در گذشتگان هم تأثیر گذاشته و این مراسم را با دقت بیشتری بر گزار می‌کردند. او می‌گوید: «آن زمان بعضی از مردم شهری روی روپوش تابوت در گذشتگان دعاهایی می‌نوشتند که در موقع ساختن وضو خوانده می‌شود. در تنظیم آنها سعی می‌شد دعایی که مربوط به هر قسمت از بدن است، در همان نقطه قرار گیرد، مثلاً دعایی که در موقع شستن صورت خوانده می‌شود، روی قسمتی از بارچه نقش می‌شد که منطبق بر صورت است.»

محرم و صفرهای متفاوت در شهری

مهاجرت هیئت‌های مذهبی و مریدان سیدالکریم (ع) از گوشه و کنار ایران باستان به ملک ری سبب شد آیین‌های دینی و مذهبی به‌ویژه سوگواری‌های محرم و صفر در شهری به شکلی ویژه و پرشور برگزار شود. براساس مستندات تاریخی، خاستگاه بسیاری از آیین‌های عزاداری عاشورایی مانند زمینه‌خوانی، ملسک ری بوده و قدیمی‌ترین تکیه کشور در این شهر برپا شده است.

نفرآباد میراث‌دار تاریخ عزای سیدالشهدا (ع)

در زمان صفویه، یکی از تیره‌های ایل قشقایی به نام «فتر» از استان فارس به ملک ری کوچ می‌کنند و محل سکونت آنها «نفرآباد» نام می‌گیرد. به نقل از اهالی و براساس وقف‌نامه موجود که به تأیید کارشناسان آستان حضرت عبدالعظیم (ع) رسیده، تکیه نفرآباد در سال ۱۰۶۰هجری قمری (حدود ۱۰۰سال بعد از نخستین حصارکشی پیرامون تهران قدیم) در این محله و در ضلع شرقی حرم سیدالکریم (ع) ساخته شده است. سردر این تکیه کاشیکاری شده و روی این کاش‌کاری‌ها لحظه شهادت حضرت علی اکبر (ع) نقش بسته است. نمای بیرونی دیوارهای تکیه آجری است و فضای تاریخی ری قدیم را یادآوری می‌کند. در این تکیه چند نسل از مردم نفرآباد برای شهدای کربلا عزاداری کرده‌اند. در قدیم این تکیه دارای ۸طاق بود که هر طاق به یک گروه خاص اختصاص داشت. مثلاً یک طاق مخصوص بانوان و طاقی دیگر مخصوص «عبت» بود که در آن قسمت می‌نشستند و عزاداری می‌کردند. هنگام برگزاری مراسم سوگواری، مردان دور تا دور تکیه و زنان وسط و کودکان مقابل مادرهایشان می‌نشستند. در گذشته فقط روز عاشورا و شب تاسوعا به عزاداران شام می‌دادند و در پایان مراسم عزاداری، مهمانان فقط با جای پذیرایی می‌شدند. در شب‌های عزاداری نماز به جماعت در تکیه خوانده می‌شد و منبر رفتن روحانیون درباره واقعه عاشورا، قسمتی از آیین سوگواری این تکیه بود. تکیه نفرآباد در سال ۱۳۴۲ بازسازی شد و بعد از آن رونق بیشتری یافت. نفرآباد از معدود تکاپایی است که خیمه امام حسین (ع) روی آن قرار می‌گیرد و قبل از محرم طی مراسمی باشکوه برافراشته می‌شود که حال و هوای خاصی نیز به مراسم عزاداری می‌دهد.

ریشه «زمینه‌خوانی» در شهری بود

تا قبیل از رواج آیین زمینه‌خوانی، سینه‌زنی اهالی شهری این‌گونه بود که ۲دست، سه‌ضرب می‌یوقفه سینه می‌زدند و سینه‌زنی تک دستی رایج نبود، اما زمینه‌خوانی به‌عنوان هنری آیینی که دربردارنده رسوم کهن و خاصی در مداحی و سینه‌زنی دسته‌جمعی است، حدود ۱۲۰سال پیش از نسوی «حاج حسین بابا» متخلص به «مشکین» و بسا کمک دوست و هم‌محل‌های او «عارف قزوینی» در شهری ابداع شد. حسین بابا مشکین وقتی از قزوین به تهران عزیمت کرد، با استقبال پرشور مداحان و سخنوران و سردم خوانان آن زمان شهری روبه‌رو شد. در زمینه‌خوانی، هر نوحه شرح حال کامل یکی از افرادی است که در کربلا بودند و نوحه‌های زمینه‌خوانی با دقت زیاد و استناد به مقتل و احادیث و روایات صحیح سروده می‌شود. زمینه‌خوانی، سینه‌زنی تک‌دستی است که میان‌داران نقش اساسی و مهمی در اجرای صحیح آن دارند. میان‌دارها باید بر اشعار و نوحه‌ها مسلط باشند و بر دم، ریز، واگوئه نوحه، پیش واقعه و سایر بخش‌های یک نوحه که از اصطلاحات مهم زمینه‌خوانی است، آگاهی و تسلط داشته و مستمع را در اجرای صحیح همراهی کنند.

آثار باستانی منطقه ۱۸ قابلیت جذب گردشگر را دارد

گنجینه‌های غبار گرفته

مریم قاسمی کاگا

بناهایی که در دوره‌ای از تاریخ صاحب نام و نشانی بودند به مرور زمان دچار تغییر و تحول شدند. این میان برخی از آثار باستانی و تاریخی به جا مانده در محله‌ها هنوز هویت و اصالت خود را حفظ کرده‌اند. هر چند پیشرفت امکانات شهری این نوع بناها را هم تحت تأثیر قرار داده، اما معرفی تعدادی از این بناهای تاریخی می‌تواند نگاه مسئولان سازمان میراث فرهنگی را به سمت حفظ و مرمت آنها جلب و فرصتی برای جذب گردشگر و رونق اقتصادی محله‌ها فراهم کند. البته مدیریت شهری نگاه ویژه‌ای به این موضوع دارد و تلاش کرده است برای نگهداری و از همه مهم‌تر معرفی آنها فعالیت کند.



زورخانه زنده‌ها؛ رزمگاه پهلوانان

پس از تبعید اقوام و خاندان نزدیک سلطنت زنده و لطفعلی‌خان زند به تهران، قلعه‌ای به نام یافت‌آباد در منطقه ۱۸ متشکل از زنده‌ها، کله‌ها زهره و ند‌ها ... ساخته شد. مهم‌ترین پایگاه مذهبی و فرهنگی این محدوده یکی پس از دیگری بنا شدند. نمونه بارز آن زورخانه زنده‌ها بود که در محوطه قلعه ساخته شده بود و از گودال بزرگی تشکیل شده بود که ورزشکاران در آنجا به ورزش می‌پرداختند. این مکان سال‌ها رزمگاه پهلوانان زورخانه بود. آنها در گود زورخانه با مدح و ثنای انامه‌اطهار (ع) به‌ویژه حضرت علی(ع) برای رسیدن به پاکی روح تلاش می‌کردند. زورخانه زنده‌ها پس از چند سال در دهه ۵۰ به مکان سرپوشیده دیگری انتقال پیدا کرد که پس از انقلاب به نام زورخانه جهان پهلوان تختی مشهور شد. این زورخانه چند سال پس از انقلاب اسلامی دچار آتش‌سوزی شد و متأسفانه از بین رفت، اما پهلوانان قدیم در مکان دیگری این ورزش بومی را دنبال کردند.

خانه‌های گنبدی فیروزبهرام

خانه‌های گنبدی قلعه فیروزبهرام در منطقه ۱۸ هنوز در قسمتی از محله موجود است، اما به متروکه‌ای غیرقابل سکونت تبدیل شده‌اند. سقف همه خانه‌های ساخته شده در قلعه فیروزبهرام حالت نیم‌دایره و گنبدی شکل داشته که به موقعیت آب و هوایی آن دوران مربوط است. طبق گفته اهالی، آب جاری حاصل از بارندگی‌ها از طریق شیروانی‌های تعبیه شده روی سقف خانه‌ها از طریق شیارهایی وارد نهر آب می‌شد و با طی مسیر چندصد متری وارد مخزن آب می‌شد تا شهروندان در مواقع نیاز بتوانند از آن استفاده کنند. یکی دیگر از علت‌های استفاده از سقف‌های شیروانی در ساخت خانه‌ها کمبود مصالح ساختمانی مقاوم در مقابل برف و باران بود. برای همین شهروندان سالیان سال از آب آن برای شرب و شست و شو استفاده می‌کردند. به گفته اهالی یافت‌آباد، در قدیم ساکنان محله‌های دورتر برای بردن آب با درشکه و گاری خود را به این محل می‌رساندند و تعداد دیگری از شهروندان برای شست و شوی فرش، لباس‌ها و ... به اینجا می‌آمدند.

حمام قجری؛ اثری ماندگار از هنرمندان قاجار

درسده‌های گذشته که قلعه یافت‌آباد در منطقه ۱۸ مملو از درختان میوه، چمنزار، مزارع سرسبز، آب‌های روان و... بود، گاهی وقت‌ها شاهان قاجار برای خوشگذرانی و تفریح به این محل می‌آمدند که ماندنش تا چند ماه طول می‌کشید. آن زمان شاه و شازده برای سکونت بلندمدت در این نقطه نیازمند برخوردار از امکاناتی مانند گرمابه بودند که نمونه‌اش تنها در برخی از خانه‌های اعیانی وجود داشت. این مسئله باعث شد تا خیلی زود امتیازی برای ساکنان یافت‌آباد به وجود آید. نخستین حمام در قلعه یافت‌آباد به دستور درباریان قاجار ساخته شد و آنها برای این کار از هنرمندان کاشیکار و معماران برجسته شیراز و اصفهان استفاده کردند. حمام قجری بعدها در اختیار شهروندان قرار گرفت و تا زمان پیدایش حمام‌های خانگی رونق داشت. حمام قجری که معماری ویژه‌ای دارد، سال‌هاست در خیابان هاشم به زورخانه و محل تمرین باستانی کاران تبدیل شده است. از این بنای تاریخی، کاشیکاری‌های برجسته و زیبا، سالن عمومی حمام و حوضچه باقی مانده است. این حمام سنتی به دلیل قدمت بالا و معماری ویژه مدتی پیش توانست نظر مسئولان سازمان میراث فرهنگی را برای ثبت آن در فهرست آثار فرهنگی جلب کند.

یخچال ترشنبه؛ سرماساز طبیعی

حتی در گرمای طاقت‌فرسای تابستان، فضای داخل یخچال ترشنبه خنک و مفرح است. این موضوع به نوع ساخت بنا و شیوه معماری دوران گذشته مربوط می‌شود که اکنون پس از صدها سال از ساخت این سازه هنوز جذابیت دارد و توجه هر رهگذری را به سوی خود جلب می‌کند. یخچال ترشنبه با مساحتی حدود ۱۸۰ مترمربع در قلعه فیروزبهرام منطقه ۱۸ واقع است. در کشورمان چند نمونه دیگر از یخچال‌های طبیعی وجود دارد که در فهرست آثار باستانی قرار گرفته‌اند و یخچال ترشنبه نیز چندسالی می‌شود که به این فهرست اضافه شده است. نمای یخچال ترشنبه گنبدی شکل با مصالح ساختمانی ساده از نوع گاهگل و خشت بوده و ۴ ورودی کوچک و بزرگ دارد. طراحی داخلی یخچال باعث شده تا گرمای هوا به درون آن راه نیابد و در عوض، سرما برای زمان بیشتری در آن باقی بماند. در گذشته‌های دور از این نوع یخچال‌های طبیعی برای نگهداری آب آشامیدنی و مواد غذایی فاسدشدنی استفاده می‌کردند.



آشنایی با نویسنده‌ای که محله‌اش را سر زبان‌ها انداخت

جام جهانی در جوادیه

رضا نیکنام کاگا

«داود امیریان» رمان‌نویس و نویسنده مطرح ادبیات کودک و نوجوان است. وی تاکنون بیش از ۲۶ عنوان کتاب منتشر و جوایز متعددی کسب کرده که یکی از آنها «جام جهانی در جوادیه» است. البته در بیشتر آثار او رگه‌هایی از علاقه‌مندی‌اش به محل زندگی‌اش به چشم می‌خورد و موضوع اغلب داستان‌هایش را از سکونت و نشست و برخاست با مردم کوچه و بازار این محله الهام گرفته است.

در کتاب «جام جهانی در جوادیه»، جوادیه یک محله دوست‌داشتنی را در ذهن مخاطبان تداعی می‌کند. رفاقت و دوستی بچه‌ها به اوج خود می‌رسد و مابقی اتفاق‌ها، «داود امیریان» می‌گوید: «در این کتاب تصویر ذهنی از محله قدیم و جدید ساختم. داستان درست از وقت ساختن پل جوادیه شروع می‌شود، اما پل در فضای قصه من به محله آسیب نمی‌زند، در حالی که در واقعیت محله را بن‌بست کرد. حال و هوای محله جوادیه مانند قدیم‌ها نیست و این محله زیر سایه سنگین پل جدید، احوال قدیم خود را از دست داده است.»

محله، یک خانواده بود

خودش را بچه جوادیه می‌داند، حتی اگر در ۱۱ سالگی به این محله آمده باشد؛ چراکه خانواده‌اش سال ۱۳۶۱ به محله جوادیه آمدند و در یک خانه اجاره‌ای در خیابان ۱۰ متری سوم ساکن شدند که آن وقت‌ها معروف بود به جزیره. خاطرات کودکی و نوجوانی او با این محله قدیمی گره خورده و تعصب خاصی به جوادیه دارد. این نویسنده هم‌محله‌ای عنوان می‌کند که آن زمان اجاره‌نشینی به معنای واقعی کلمه خوش‌نشینی بود. می‌گوید: «وقتی مستأجری می‌خواست از خانه‌ای بیرون بیرون، صاحبخانه برایشی گریه می‌کرد، چون به با هم بودن عادت کرده بودند.» به گفته امیریان، محله می‌تواند روی شخصیت و سرنوشت آدم‌ها تأثیر بگذارد و اضافه می‌کند: «در محله‌های قدیمی احترام به بزرگ‌تر وجود داشت و جوان‌ها و افراد کمسن در مقابل بزرگ‌تراها خلاف ادب رفتار نمی‌کردند، حتی جوان‌های سیگاری از مغازه‌های محله خودشان سیگار نمی‌خریدند که مبادا دیده شوند.»

امیریان می‌گوید: «در محله جوادیه چند دزد و خلافکار داشتیم که همه می‌شناختند، اما آنها به دارایی بچه‌محل‌های خودشان هیچ‌کاری نداشتند! آن وقت‌ها در محله‌ها حرمت زیادی وجود داشت. اهالی شب‌عبود برای فقر پول جمع می‌کردند تا برایشان کفش و لباس نو بخرند. ما در محله یک خانواده بودیم و اگر در خانه نبودیم و بی‌خبر مهمان می‌آمد و پشت در می‌ماند، همسایه‌ها مهمان را به خانه می‌بردند و از او پذیرایی می‌کردند.»



نگاهی به شخصیت یکی از ساکنان جنوب شهر در یک داستان ننه کاراته را جوادیه‌ای‌ها می‌شناسند

«سیروس همتی» تاکنون نزدیک به ۲۰ نمایشنامه نوشته که «ننه کاراته» یکی از آنهاست. این کتاب شامل ۸ داستان کوتاه با موضوع‌های اجتماعی و خانوادگی است که ننه کاراته، حال و هوای محله جوادیه و ساکنانش را به تصویر کشیده است. همتی می‌گوید: «شناسایی خیلی از اهالی جوادیه، ننه کاراته را بشناسند؛ بانوی پا به سن گذاشته ورزشکاری که در گذشته همراه بچه‌ها در کوچه‌ها فوتبال بازی می‌کرد.» تاکنون امکان رنمایی از این کتاب در مراکز فرهنگی منطقه ۱۶ برایش فراهم نشده است و ممکن است ساکنان منطقه به‌خصوص جوادیه از انتشار این کتاب بی‌خبر باشند. وی می‌گوید: «در صورت فراهم شدن شرایط، معرفی کتاب در مراکز فرهنگی محله را با جان و دل قبول می‌کنم. دوست دارم کتاب را به اهالی معرفی کنم.» چکیده‌ای از این داستان را می‌خوانید: «با این



جوادیه رفنه زیر پونز!

امیریان، خاطره شیرینی از دوران دفاع‌مقدس برایمان تعریف می‌کند: «از سر پل جوادیه که وارد می‌شدیم به خیابان ۱۰ متری اول می‌رسیدیم که به سسکوی نظامی معروف بود. کمی جلوتر خیابان ۲۰ متری جوادیه بود و کمی جلوتر به طرف پادگان قلعه‌مرغی که می‌رفتیم، خیابان ۱۰ متری دوم بود و دست راست، محله مستقل و خیابان ۱۰ متری سوم که می‌رسید به ریل قطار. آنجا خط آهن وجود داشت. ریل اول، قطار تهران- اهواز که در زمان جنگ تحمیلی رزمنده‌ها را می‌برد به جبهه و ریل دوم قطار تهران- تبریز بود. آن زمان پل عابر خرابی هم آنجا بود که بچه‌های محل از آن بالا رفته بودند و جایگاهی درست کرده و قران را روی آن گذاشته بودند تا رزمنده‌ها از زیر قران رد شوند. با اینکه جوادیه نزدیک پادگان قلعه‌مرغی بود، اما هیچ‌وقت بمباران نشد. بچه‌ها به شسوخ می‌گفتند در نقشه تهرانی که صدام در اتاقش چسبانده، جوادیه رفنه زیر پونز و از چشم آنها دور مانده است.»

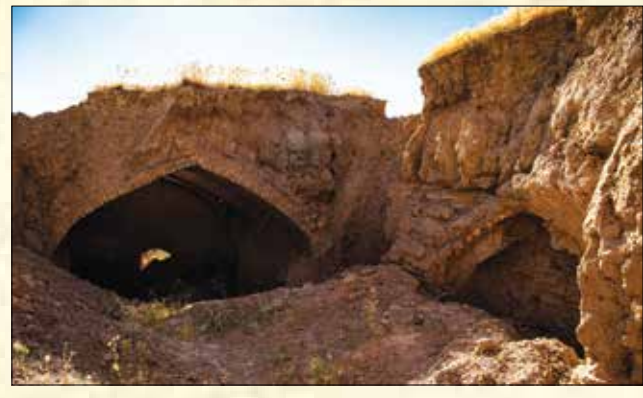


معلم ریاضی در یکی از مدارس منطقه ۱۶ مشغول به کار است. تخصص او طراحی صحنه، نویسندگی، کارگردانی و بازیگری است و بازی او در فیلم سینمایی «مارمولک» به کارگردانی کمال تبریزی و سریال «خداحافظ بچه» به کارگردانی منوچهر هادی، او را بیش از پیش مورد توجه و علاقه هنردوستان قرار داد.

این بازیگر و کارگردان تئاتر جوایز زیادی در رشته‌های کارگردانی و نمایشنامه‌نویسی دریافت کرده است. او درباره زندگی در محله جوادیه می‌گوید: «۱۰ متری دوم تا ۴ کوچه جلوتر محل رشد کمی و کیفی من است. از مدرسه‌ای که در آن تحصیل کردم و مسجدی که به‌عنوان مؤذن و ترمیزه‌خوان در آن فعالیت می‌کردم گرفته تا همسایگی با رفقای بازیگرو هنرمندی همچون «علی سلیمانی» و «تقی همتی نیا» که با آنها روزگار گذراندم و در کنارشان بسیار آموختم.»



قلعه
اسماعیل آباد
ذوالقرنین



دوران ارباب و رعیتی

قلعه اسماعیل آباد در ناحیه ۲ منطقه ۱۸ سالهاست تغییر چهره داده و قابل مقایسه با گذشته نیست. پیشینه قلعه اسماعیل آباد نشان می‌دهد که قدمت بناهای تاریخی در این محدوده به بیش از ۳۰۰ سال قبل می‌رسد. حدود ۳ قرن پیش در اطراف خیابان‌های شهیدان منصور عمرانی و انصاری، برج‌های کاهگلی بلندمرتبه قلعه از دور پیدا بود. شهروندان از یک ورودی اصلی که در محدوده کوچه نبوت کنونی است، رفت‌وآمد می‌کردند، البته کنترل شده و طبق ضوابط و قوانین.»

شهروندان در طول شبانه‌روز فقط در ساعاتی از روز می‌توانستند داخل قلعه یا از آن خارج شوند.»
وی اضافه می‌کند: «تخت‌سین ساکنان قلعه اسماعیل آباد اجداد و اقوام پوریخت‌ها، پورحسینی‌ها و پوریختیان بودند که هنوز درصد زیادی از ساکنان کنونی محله

اسماعیل آباد را بازماندگان، نوادگان و نتیجه‌های این اقوام تشکیل می‌دهند.»
پوریخت در تعریف وضع اقتصادی ساکنان قلعه اسماعیل آباد می‌گوید: «این محله به‌صورت ارباب و رعیتی اداره می‌شد، یعنی کشاورزان در زمین‌های ارباب کار و از این طریق گذران زندگی می‌کردند.»

قلعه
فیروز بهرام



جنگ در همین حوالی

قلعه فیروز بهرام در ناحیه ۷ شهرداری منطقه ۱۸ از جمله نقاط باستانی و تاریخی تهران به شمار می‌رود که پیشینه قابل توجهی دارد. این قلعه که در دوره‌ای از تاریخ یکی از روستاهای خوش آب و هوا و دارای زمین‌های کشاورزی حاصلخیز بوده، توسط ۲ برادر به نام‌های فیروز و بهرام که از وابستگان سلسله ساسانی بودند بنا شده است. به استناد آثار و مکتوبات تاریخی، قلعه فیروز بهرام روزگاری از تهران قدیم آبادتر و پررونق‌تر بوده و به همین دلیل مورد توجه پادشاهان و خانواده‌های آنها قرار می‌گرفت. در قلعه فیروز بهرام ۲ برج بلند، محل دیده‌بانی نگهبانان ساسانی بود. «محمدعلی صفری» یکی از ساکنان روستای گلدسته اطلاعات خوبی درباره تاریخچه محله در اختیارمان می‌گذارد. او درباره یکی از رویدادهای مهم قلعه فیروز بهرام می‌گوید: «سال ۶۸ هجری قمری قلعه فیروز بهرام محل ستیز و جنگ گروهی از خوارج با سپاهیان عبدالملک بن مروان بود که در این نبرد فردی به نام «بیزید» که فرماندهی سپاه عبدالملک را برعهده داشت، کشته می‌شود و مهاجمان مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند.»

صفری درباره تخریب قلعه فیروز بهرام می‌گوید: «پس از کشته شدن فیروز و بهرام ساسانی به دست مهاجمان، این قلعه به دست فراموشی سپرده شد و به مرور زمان بنای قلعه و خانه‌های آن آسیب دیدند. حفاری‌ها و کاوش‌های غیرقانونی و شبانه هم در تپه‌های قلعه فیروز بهرام به بهانه پیدا کردن خمره‌های سسکه و گنج‌های مدفون باعث تخریب هر چه بیشتر این بنای تاریخی شده است.»
به گفته صفری تا همین چند سال پیش یک برج دیده‌بانی کاهگلی در جوار خانه‌های مسکونی فیروز بهرام وجود داشت که در ساخت‌وسازهای اخیر تخریب شد. این شهروند قدیمی محله فیروز بهرام اضافه می‌کند: «در محدوده قلعه هنوز چند انبار قدیمی باقی مانده است که شهروندان در گذشته‌های دور از آنها به‌عنوان آب‌انبار استفاده می‌کردند.»
قلعه فیروز بهرام با حدود هزار و

۷۵۰ هکتار زمین کشاورزی از محله‌های سرسبز منطقه ۱۸ به شمار می‌رود و به دلیل دسترسی آسان به بزرگراه‌های آزادگان، شهید آیت‌الله سعیدی و... محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است. اکنون در قلعه فیروز بهرام ۲ مدرسه، یک مرکز بهداشت، دفتر شورا، ۵۰ باب مغازه، ۵ باشگاه پرورش اسب مسابقه‌ای، ۱۵ واحد دامداری و ۲ واحد تولید کمپوت وجود دارد. ضمن اینکه در این محدوده باغ گیاه‌شناسی دارویی به مساحت ۳ هکتار به‌عنوان مرکز نمونه توسعه و کاشت فرآورده‌های گیاهان دارویی کشور فعالیت دارد.

این گزارش شما را با قلعه‌های تاریخی و باستانی منطقه ۱۸ آشنا می‌کند

گمشده زمان

مریم قاسمی

قلعه‌ها سازه‌ها و بناهایی بودند که در شکل‌گیری تهران از لحاظ هنر معماری و شهرسازی، اجتماعی، نظامی و سیاسی اهمیت فراوانی داشتند. ضمن اینکه این دژهای محصور خشتی و گلی در سبک و شیوه زندگی، کار و اشتغال، آداب و رسوم و فرهنگ ساکنان نیز تأثیرگذار بودند. در یکصد سال گذشته و در دوره شهرنشینی با افزایش جمعیت و رونق گرفتن ساخت‌وساز، بسیاری از قلعه‌های تاریخی به شهرک‌های مسکونی و محله‌های پرجمعیت تبدیل شده‌اند. با این حال نمی‌توان دوران قلعه‌ها و برج و باروها را از تاریخ تهران حذف کرد. گزارش پیش رو درباره قلعه‌های باستانی منطقه ۱۸ است که در شکل‌گیری تهران نقش اساسی ایفا کرده‌اند.

قلعه
یافت‌آباد



تبعید شده‌ها

پس از فتح شیراز به دست اقامحمدخان قاجار که با خیانت حاج ابراهیم کلانتر به پیروزی مهاجمان انجامید، لطفعلی خسان زند، آخرین پادشاه سلسله زندیه به دستور پادشاه قاجار به تهران منتقل و کشته شد. در همین دوره اقامحمدخان قاجار برای جلوگیری از فتنه شورش‌ها در شیراز همه هواخواهان، خانواده و اقوام نزدیک و وابسته به سلطنت زندیه را از شیراز به تهران و نقاط مختلف کشور تبعید کرد و تعداد بسیاری از تبعیدی‌های سلسله زندیه در قلعه یافت‌آباد سکنی یافتند. «احمد زندیه» یکی از شهروندان قدیمی محله یافت‌آباد می‌گوید: «پس از تبعید بستگان و اقوام زندیه به قلعه یافت‌آباد وضع این نقطه بسیار بحرانی شد. اختلاف بر سر مالکیت قلعه یافت‌آباد باعث شد تا میان خوانین زند و فرمانفرما معروف به «شازده» از شاهزادگان صاحب نفوذ دربار قاجار نزاع و درگیری به وجود آید و گاهی نیز با تیراندازی طرفین کشته‌های زیادی از دو طرف به جا می‌ماند، اما در نهایت این شازده بود که به زانو درآمد و مالکیت قلعه یافت‌آباد به خوانین زند رسید.»

قلعه یافت‌آباد به آبخش یعنی بالا و پایین تقسیم شد و در گویش و گفتار افراد بومی و ریش‌سفیدان محله هنوز لهجه یافت‌آبادی دیده می‌شود؛ لهجه‌ای که به زبان مردمان فارس و شیراز نزدیک‌تر است و مانند زبان تهرانی‌های اصیل اعتبار و اصالت خودش را دارد. زندیه درباره معماری قلعه یافت‌آباد می‌گوید: «۴ برج بلند دیده‌بانی در اطراف قلعه وجود داشت و نگهبانان به نوبت آنجا مستقر می‌شدند تا می‌دانند قلعه مورد هجوم بیگانگان و دشمنان قرار گیرد. ورودی قلعه یافت‌آباد درست انتهای خیابان شهید مرتضی زندیه کنونی و ابتدای خیابان شهید میرهاشم

وجود داشت و شهروندان از این محل تردد داشتند و نگهبانان همه رفت و آمدها را زیر نظر داشتند؛ به‌ویژه بازرگانان و تاجران که برای داد و ستد به اینجا می‌آمدند، مدام توسط نگهبانان بازجویی می‌شدند.»
گاو میش خانه که به زبان یافت‌آبادی‌های اصیل «گومیش خونه» تلفظ می‌شود، نام محلی است که مهاجران و ساکنان یافت‌آباد در آنجا دام و طیور از جمله گاو و گوسفند نگهداری می‌کردند تا بتوانند از این طریق زندگی‌شان را بگذرانند. زندیه از کسب و کار یافت‌آبادی‌های قدیم صحبت می‌کند و می‌گوید: «حرفه

اصلی ساکنان قدیم یافت‌آباد دامداری بود و تعدادی نیز در مزارع گندم و جو کار می‌کردند. نام قدیم خیابان شهید مصطفی هاشم، گاو میش خانه بود و تعداد زیادی گاو و میش در این محل نگهداری می‌شد و سالیان سال به همین نام مشهور بوده است.

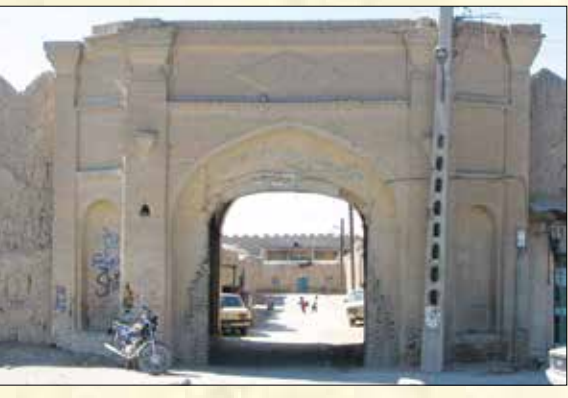
گورستان یافت‌آباد

در قلعه یافت‌آباد گورستانی وجود داشت که اهالی متوفیان خود را آنجا به خاک می‌سپردند. از افراد مشهوری که در این گورستان به خاک سپرده شده‌اند مرتضی خان زند از خان‌های معروف آن دوران بوده که البته این مزارها به مرور زمان تخریب شده‌اند. زندیه می‌گوید: «بعد از انقلاب گورستان یافت‌آباد به گلزار شهیدا تغییر نام پیدا کرد. در حقیقت این مکان بازمانده دوران قلعه‌هاست.»

سکونت طایفه‌های مختلف در قلعه

۳ طایفه بزرگ زندیه، کلهر و زهره وند هسته اولیه و اصلی‌ترین ساکنان قلعه یافت‌آباد را تشکیل می‌دادند که به مرور زمان اقوامی چون میرزاییگی، رضاخو، صفری، خرقانی، مزلقانی و سیروند به آنها افزوده شده‌اند.

قلعه
دهشاد
بالا و پایین



از مشارالسلطنه تا حبیب خان

قلعه دهشاد بالا و پایین در ناحیه ۶ شهرداری منطقه ۱۸ و در ۱۰ کیلومتری شرق شهریار و نزدیک به شهر باغستان واقع است. قلعه دهشاد یکی از محله‌های پرجمعیت تهران است که اغلب ساکنان آن آذری زبان هستند و افغان‌ها نیز بخش مهمی از جمعیت چند هزار نفری قلعه را تشکیل می‌دهند. «هادر آقاسی» از ساکنان قدیمی قلعه دهشاد درباره تاریخچه این محل می‌گوید: «مالک اولیه قلعه دهشاد که به آبخش بالا و پایین تقسیم می‌شود، فردی به نام «مشارالسلطنه» بود که با درباریان ارتباط نزدیکی داشت و به این واسطه توانسته بود با زور و

داشتن اوضاع ساکنان قلعه بهتر شد.»
قلعه دهشاد ۴ دروازه در شمال، جنوب، شرق و غرب داشت و نگهبانان در ۴ برج دیده‌بانی کاهگلی

از آن محافظت می‌کردند. اکنون فقط خاطرها و نوشته‌هایی از این برج‌ها در کتاب‌های تاریخی تهران باقی مانده است.

یادداشت

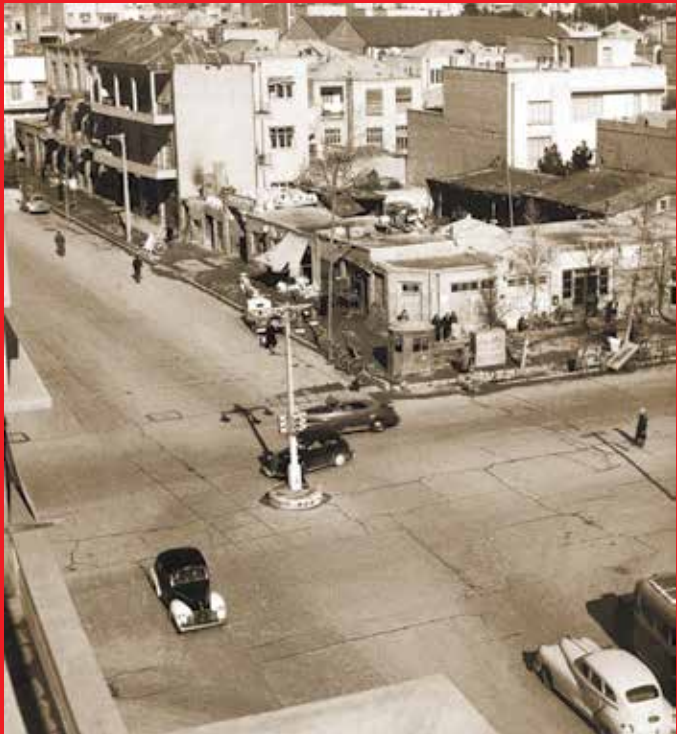
قلعه‌ها، هویت تاریخی تهران

تهران امروز که با وسعت و جمعیت بیش از حد همه را نگران کرده، در گذشته‌های دور قریه کوچکی از شهری بود. در کتاب‌های تاریخی آمده که دو قریه (طهران) و (مهران) به دلیل آنکه در دامنه کوه‌های البرز آرمیده بودند به این نام‌ها شهرت یافتند. پسوند (ران) در آخر واژگان طهران و مهران مفهوم دامنه و پایین دست و به همین ترتیب شمیران به معنای بالادست بوده است. طبق اسناد تاریخی و گفته مورخان، از قرن سوم هجری به بعد طهران در اکنون تاخت و تاز قرار داشته و به همین دلیل نزد پادشاهان و حکمرانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در سال ۱۲۸۴ هجری قمری که مراسم افتتاح و نامگذاری محدوده جدید شهر طهران (دارالخلافه ناصری) با حضور شاه قاجار برگزار شد، چال میدان، چال حصار، عودلاجان، خانی‌آباد، سرپولک و... محله‌هایی بودند که در نقشه جدید تهران جای گرفتند. در دوره حکومت فتحعلی شاه قاجار طهران ۶ دروازه، ۳۰ مسجد و ۳۰۰ حمام داشت و در این زمان قلعه‌های متعددی نیز در اطراف آن ساخته شده بود. قلعه‌های تاریخی یافت‌آباد، اسماعیل‌آباد، دهشاد، فیروز بهرام، احمدآباد، دهمویز، حسن خان و... بخشی از هویت تاریخی منطقه ۱۸ به شمار می‌روند که تاریخ شکل‌گیری اغلب آنها به دوران حکومت صفویان و اشکانیان برمی‌گردد. بیشتر این قلعه‌ها کاربری نظامی و امنیتی داشتند و مانعی مستحکم در برابر هجوم دشمنان به شمار می‌رفتند. تهران امروز متفاوت از طهران قدیم است و هر لحظه به سمت وسوی عمران و آبادانی پیش می‌رود، اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، حفظ هویت تاریخی محله‌هاست، چراکه با این کار نسل جدید با گذشته و چگونگی شکل‌گیری محل زندگی خود آشنا شده و احساس تعلق خاطر بیشتری به آن پیدا می‌کند.



امیر محمدی دکترای مدیریت شهری

دوره تاریخی سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۴۱



جست‌وجوی نحوه شکل‌گیری بازل شانزدهم پایتخت

منطقه ۱۶ صدساله شد

رضا نیکام

سابقه شکل‌گیری و گسترش کالبدی منطقه ۱۶ به سال ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاخان برمی‌گردد و طبق آن، امسال مقارن با تولد ۱۰۰سالگی این منطقه به حساب می‌آید. از این سال به بعد، به تبع اعمال سیاست‌های توسعه صنعتی و خدماتی، موقعیت محدوده در جنوب شهر آن زمان و همچنین قسمت جنوب بازار و قرارگیری منطقه ۱۶ در مسیر راه‌های مهم ارتباط‌دهنده تهران به نقاط جمعیتی جنوب کشور، عناصر فعالیت‌ی و مسکونی مختلفی در گستره آن شکل گرفت که برخی از آنها تأثیری عمده بر روند توسعه کالبدی منطقه داشته‌اند. «پیمان پورنصر» شهردار منطقه ۱۶ از عناصر مهم و چگونگی تأثیر آنها بر روند تحولات کالبدی این منطقه بر ما صحبت می‌کند.



دوره تاریخی سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۷

به تبع کشندش آهنگ رشد و توسعه صنعتی و خدماتی تهران، قرارگیری منطقه ۱۶ در محدوده شهر و تبدیل آن به یکی از مناطق بیست‌گانه شهرداری بر اساس تقسیمات شهری سال ۱۳۵۹ اعمال محدودیت‌های استقرار و توسعه صنایع و واحدهای خدماتی متوسط و بزرگ تر سطح منطقه ۱۶ و انتقال تعدادی از صنایع، انبارها و بناگاه‌های باربری به خارج از منطقه، صنایع و واحدهای خدماتی نقشی چندان جدید در توسعه کالبدی منطقه نداشته‌اند. در این دوره، تنها توسعه کالبدی بسیار محدودی در سطح منطقه شامل ایجاد شهرک مسکونی کوچک مقیاس شهید بهشتی، سیدآباد صورت گرفت. این شهرک‌ها برای تأمین مسکن ارزان قیمت برای شهروندان تهرانی از جمله تعدادی از ساکنان منطقه ایجاد شدند.

دوره تاریخی سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۱

شهردار منطقه ۱۶ می‌گوید: «با تشدید محدودیت‌های اعمال شده به وسیله دولت و شهرداری تهران برای کنترل توسعه فیزیکی تهران و مهار توسعه و ایجاد واحدهای صنعتی و خدماتی در محدوده و حریم شهر و از آن جمله منطقه ۱۶ و افزایش هزینه زمین و مسکن در مناطق مرکزی و شمال تهران، عامل تأمین مسکن ارزاقیمت برای شهروندان تهران نقش بیشتری در گسترش کالبدی منطقه پیدا کرده است. بخش مهمی از توسعه‌های مسکونی در اراضی کوره‌های آجرپزی و کشاورزی قسمت جنوبی ناشی از این امر بوده است. در این زمینه شبکه‌های دسترسی نقش مهمی در مکانیابی و نحوه گسترش آنها داشته‌اند. شهرک وصال در ارتباط با دسترسی به بزرگراه آزادگان و شبکه راه‌های منتهی به خیابان‌های شهید رجایی و بهمنیار شکل گرفت. شهرک چهارده معصوم (ع) نیز در جوار خیابان فداييان اسلام ایجاد شد. پورنصر عنوان می‌کند: «مجمع‌های مسکونی دانشگاه امیرکبیر، کوثر، ابریشم، چیت‌سازی و پروژه‌های انبوه‌سازی و شرق محله سیدآباد نیز به واسطه خیابان منتهی به شریان‌های اصلی منطقه ۱۶، مکان‌یابی و ساخته شدند تا ساکنان آنها با سهولت بیشتری به مراکز مهم فعالیت‌ی موجود در منطقه و خارج از آن دسترسی داشته باشند. این منطقه در شمار مناطق کوچک شهر تهران بوده و در جنوب شهر تهران واقع شده است. مرتفع‌ترین نقطه منطقه با یک‌هزار و ۱۱۸ متر ارتفاع در شمال منطقه و پست‌ترین نقطه با ارتفاع یک‌هزار و ۸۶ متر در جنوب منطقه ۱۶ واقع شده است.»

دوره تاریخی سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷

شهردار منطقه ۱۶ عنوان می‌کند صنایع و واحدهای ایجاد شده در ۲ دوره قبل و همچنین سنگبری‌های جنوب غرب چهارراه فرح‌آباد، نیروگاه بعثت، بناگاه‌های حمل‌ونقل و سنگبری‌های جنوب‌شرق محدوده، پایانه مسافربری جنوب، بناگاه‌های آهن‌فروشی خیابان‌های ستاره و مهرآبادی، بناگاه‌های باربری و انبارهای شمال شرق محله باغ آذری و شمال غرب چهارراه فرح‌آباد به لحاظ فرصت‌های شغلی‌ای که ایجاد کردند، همچنان به‌عنوان مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر گسترش کالبدی منطقه ۱۶ عمل کردند. وی می‌گوید: «وجود فرصت‌های شغلی ناشی از توسعه فعالیت صنایع و واحدهای خدماتی موجود همانند کارخانجات راه‌آهن، ایستگاه راه‌آهن، گمرک جنوب، چیت‌سازی، سیلو و کارگاه‌های صنعتی و خدماتی تازه احداث همانند نیروگاه برق بعثت، کارخانه‌های سنگبری و بناگاه‌های باربری غرب خیابان فداييان اسلام، پایانه مسافربری جنوب و بناگاه‌های باربری و انبارهای احداث شده در محل کوره‌های آجرپزی جنوب‌شرق باعث گسترش کالبدی محله‌های خزانه به سمت جنوب، علی‌آباد مجدوالدوله به سمت شمال و شرق علی‌آباد جنوبی برای پاسخگویی به نیاز مهاجران جوانی از شاغلان صنایع و واحدهای خدماتی موجود در منطقه و همچنین واحدهای صنعتی و خدماتی تازه احداث در جنوب غرب محدوده مثل بناگاه‌های آهن‌فروشی، کارخانه‌های آرد، شرکت حمل‌ونقل قندوشکر، کارخانه‌های نان ماشینی و صنایع سنگبری ایجاد شد. مجموعه آپارتمانی و ویلایی هزاردستگاه نیز برای پاسخگویی به نیازمسکن سبیل زدگان سال ۱۳۴۱ جنوب شهر، نیروهای شهربانی و تعدادی از شاغلان صنایع و واحدهای خدماتی در قسمت شمال محدوده ساخته شد.»

دوره تاریخی سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۹۹

ایستگاه راه‌آهن عنصری مهم و تأثیرگذار بر شکل‌گیری هسته‌های صنعتی، خدماتی و گسترش کالبدی منطقه بوده است. ایجاد ایستگاه راه‌آهن در جنوب محدوده شهر و جنوب‌بازار باعث استقرار واحدهای صنعتی و خدماتی دیگری همچون بلورسازی، سیلوی تهران، کارخانه‌های ریستندگی و بافندگی، چیت‌سازی، کشتارگاه تهران، کارخانه آرد و تعدادی انبار و بناگاه باربری برای پاسخگویی به نیازهای بازار تهران در قسمت شمال شرق محدوده کنونی منطقه شد. شهردار منطقه ۱۶ عنوان می‌کند: «جاده قدیم شهری (فدائیان اسلام) و کوره‌های آجرپزی موجود (کوره‌های حاج امین‌الغرب در محل گودهای جنوب شوش) و کوره‌های جدیدی که در اراضی پست و گود محدوده (عمدتاً در قسمت شرقی آن) برای تأمین بخشی از نیازهای توسعه شهری جدید تهران استقرار یافته‌اند نیز از دیگر عناصر مهم در گسترش کالبدی منطقه ۱۶ در این دوره بوده‌اند؛ البته با اهمیتی کمتر از راه‌آهن.»

منطقه ۱۷ چگونه متولد شد؟

بازمانده قریه جی اولیا

مریم قاسمی

حتی ریش سپیدان منطقه به درستی نمی‌دانند چند سال از آرמידن نواده امام حسن مجتبی‌(ع) در قطعه هدفیم پایتخت می‌گذرد، اما آنچه مسلم است سکنی گزیدن و دفن ایشان در قریه به «جی اولیا» پای بسیاری از محبان اهل‌بیت(ع) را به این قریه خوش آب و هوا باز کرده است. ایشان در زمان حاکمیت عبدالملکبن مروان به دلیل سختگیری‌های فراوان حکومت از عراق به شهری که مدفن پسرعمویشان بوده، مهاجرت کرده‌اند. گروهی از زائران حرم امامزاده حسن(ع) را که در قریه جی ماندگار شدند، می‌توان نخستین ساکنان منطقه ۱۷ به شمار آورد و سرخ حکایت تشکیل محله‌ها را در آن زمان جست و جو کرد، ولی شهرنشینی ساکنان این منطقه قصبه دیگری دارد که شنیدن آن از زبان «علی‌اصغر محمد» خالی از لطف نیست. او دبیر شورایی محله گلچین و از معتمدان منطقه است. او ۶۲ سال از ۷۵ سال عمرش را در این منطقه گذرانده و درباره گذشته محله‌ها اطلاعات زیادی دارد.

منطقه ۱۷ جزئی از قریه جی اولیا بوده که در ملک ری قرار داشته است. با گسترش شهر طهران، این قریه‌آباد از شهری جدا و به منطقه حاشیه‌ای طهران تبدیل شده است. با توسعه پایتخت، منطقه ۱۷ و بسیاری از نقاط حاشیه‌ای تهران در محدوده شهری قرار گرفتند. «علی‌اصغر محمد» دبیر شورایی محله گلچین، قدمت محله‌های امامزاده حسن(ع)، و صفنار و قلعه‌مرغی را بیش از ۲ سده می‌داند. او می‌گوید: «محله‌های دیگر منطقه ۱۷ سال‌ها پس از تشکیل این ۳ محله شکل گرفتند. این محله‌ها که اغلب باغ و زمین امامزاده حسن(ع) رسیدگی کرده‌اند و بقعه صاحب تزییناتی نفیس شده که هنوز هم آثار آن باقی است، اما قبرستان پشت حرم تا چند دهه پیش به شکل اولیه خود باقی مانده و پر از قبرهای کاهگلی و سیمانی بود. شورایار سپیدموی منطقه می‌گوید: «ملاک عمده منطقه شخصی به نام «فلاح» بود که باعث آبادانی محله ابوذر فعلی شد. او در دوره اصلاحات ارضی بسیاری از زمین‌های کشاورزی خود را نقد و نسبیه به اهالی فروخت. ساخت میدان ابوذر فعلی و خیابان‌کشی‌های اطراف میدان هم با تلاش و پیگیری فلاح انجام شده است.

پس از او مالکاتی مانند «عین‌الهیف حسنی» هم باغ‌های وسیع خود را به قطعات کوچک‌تر تقسیم و به رعیت‌ها و کشاورزان فروختند.» در گذشته آب آشامیدنی و مصرفی مردم منطقه از قنات تأمین می‌شد و هنوز هم در زیر پای اهالی قنات‌های زیادی به ساکنان آنها وارد شد. در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ بسیاری از روستائین آذری زبان و تیره‌های قومی مانند شاهسون که به تهران



علی‌اصغر محمد شورایار محله گلچین



می‌دهد: «کشاورزان و یخچال‌داران از آب گواری قنات سهم داشتند و هر یک در زمانی خاص از آب الان جزء منطقه ۱۹ است. این قنات‌ها در مسیر خود باغ‌ها و مزارع را آبیاری می‌کردند. آب‌انبارها هم از این آب پر می‌شدند. آن زمان هر کسی دستش به دهانش می‌رسید، در خانه‌اش آب‌انباری داشت که از پله‌های زیر، در حوض و سرداب تشکیل می‌شد و محل ذخیره آب و نگهداری مواد غذایی بود. آخرین آب‌انبار منطقه در یکی از کوچه‌های فرعی خیابان امین‌الملک قرار داشت که به نام کوچه «آب انبار» معروف بود. این آب‌انبار سال‌ها متروکه ماند و مدتی پیش تخریب شد.»

اکبر سوری و بخشی از محله شهید عروقی فعلی می‌گذشتند و وارد محله خانی‌آبادنو می‌شدند که الان جزء منطقه ۱۹ است. این قنات‌ها در مسیر خود باغ‌ها و مزارع را آبیاری می‌کردند. آب‌انبارها هم از این آب پر می‌شدند. آن زمان هر کسی دستش به دهانش می‌رسید، در خانه‌اش آب‌انباری داشت که از پله‌های زیر، در حوض و سرداب تشکیل می‌شد و محل ذخیره آب و نگهداری مواد غذایی بود. آخرین آب‌انبار منطقه در یکی از کوچه‌های فرعی خیابان امین‌الملک قرار داشت که به نام کوچه «آب انبار» معروف بود. این آب‌انبار سال‌ها متروکه ماند و مدتی پیش تخریب شد.

یخچال‌های بلند آوازه طاهری

روایت حاج اصغر محمد به شیره‌های آب فشاری معروف محله فلاح می‌رسد و می‌گوید: «بعدها فلاح در خیابان شهید فریدون احمدی منبع آب گذاشت که با شیره‌های فشاری باز می‌شد و مردم از این آب برای شست و شوی لباس و ظروف استفاده می‌کردند. قسمتی از آب مصرفی مردم هم از چاهی تأمین می‌شد که فردی به اسم «مینوچهر» در خیابان شهسوار جنوبی گذاشته بود. مینوچهر بزرگ محله جوادیه و آدم بانصافی بود.» یخچال‌های صفنار که به فردی به نام «طاهری» تعلق داشتند، جزء جاداشدنی هویت و تاریخچه منطقه ۱۷ هستند. آوازه این یخچال‌ها تا شمال طهران قدیم هم رفته و یخ موردنیاز بستنی‌فروشی‌های معروفی مانند بستنی اکبر مشتی از این یخچال‌ها تأمین می‌شد. محمد می‌گوید: «آن زمان در محله و صفنار از آبارتمان‌های چندطبقه خبری نبود و از لابه‌لای ساقه‌های گندم و جو کشتزارهای لب خط آهن تهران- اهواز و تهران- تبریز می‌توانستید مخروط‌های آجری یخچال‌های طاهری را ببینید. گود وسط یخچال‌های صفنار چندان عمیق نبود و با گذشتن از ۳۰- ۴۰ پله باریک و کوتاه به آنجا می‌رسیدید. این گودها حوضچه‌های ذخیره آب بودند و به قنات‌های محله و صفنار راه داشتند. یخی که در حوضچه‌ها تشکیل می‌شد، به مخازن تونلی شکلی منتقل و در آنجا با شن کش یا کلتنگ به قطعات کوچک تبدیل می‌شدند.» او ادامه



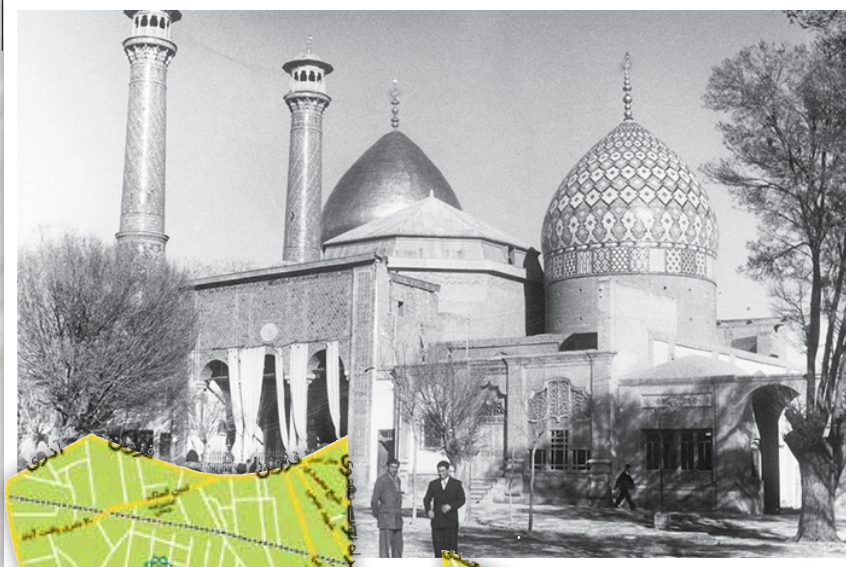


● **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری
 ● **مدیر مسئول:** نیلوفر قدیری
 ● **شورای سردبیری:** مهدی علیپور
 سروش چنابی
 زکیه سعیدی

● **دبیر تحریریه:** ابودر چهل امیرانی
 ● **تحریریه:** رضا نیک‌نام / نصیبه سجادی
 مریم قاسمی / رابعه تیموری / زهرا بلندی

● **مدیر هنری:** کامران مهرزاده
 ● **صفحه آرایی:** محمدرضا محمدی تاش / علی حسینی / امیلاد رفاقتی
 فائزه توکلی
 ● **حروفچینی و تصحیح:** منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان / فهیمه شیرازی

● **نشانی:** خیابان ولی عصر (عج) ترسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● **کد پستی:** ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● **صندوق پستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● **تلفن:** ۰۲۳۰۲۳۱۰۰ ● **دورنگار:** ۰۲۳۰۲۳۴۸۸



آستان حضرت عبدالعظیم حسینی (ع) حدود ۱۳۳۲

۱۷ منطقه

موقعیت: منطقه ۱۷ از شمال و شمال غرب به مناطق ۹ و ۱۰، از جنوب و جنوب شرقی به منطقه ۱۹، از شرق به مناطق ۱۱ و ۱۶ و از مغرب به منطقه ۱۸ محدود می‌شود.
مساحت: ۳ هزار و ۷۹۴ هکتار
تعداد نواحی: ۳ ناحیه
تعداد محله‌ها: ۱۵ محله از جمله گلچین، ابودر غربی و شرقی، زهتابی، زمزم، باغ خزانه، مقدم و...
اماکن شاخص: حرم امامزاده حسن (ع)، بازارهای مبل، پوشاک و آلومینیوم، مزار شهدای گمنام در بوستان زمزم و...
جمعیت: ۳۴۸ هزار و ۵۸۹ نفر
تعداد زنان: ۱۳۵ هزار و ۲۲۵ نفر
تعداد مردان: ۲۰۳ هزار و ۳۶۴ نفر
تعداد خانوار: ۷۵ هزار و ۸۷۲

۱۶ منطقه

موقعیت: منطقه ۱۶ از شمال به مناطق ۱۱ و ۱۲، از شرق به منطقه ۱۵، از جنوب به منطقه ۲۰ و از غرب به مناطق ۱۷ و ۱۹ محدود می‌شود.
مساحت: یک هزار و ۶۵۱ هکتار
تعداد نواحی: ۶ ناحیه
تعداد محله‌ها: ۹ محله از جمله جوادیه، نازی‌آباد، خزانه، یاخچی‌آباد، علی‌آباد و...
اماکن شاخص: ایستگاه راه‌آهن تهران، نیروگاه برق بعثت، کارخانه روغن نباتی، چیت‌سازی، سیلو گندم تهران و...
جمعیت: ۲۷۸ هزار و ۷۸۳ نفر
تعداد زنان: ۱۴۳ هزار و ۲۲۵ نفر
تعداد مردان: ۱۴۴ هزار و ۵۷۸ نفر
تعداد خانوار: ۸۹ هزار و ۹۲۸



۱۹ منطقه

موقعیت: منطقه ۱۹ از شمال به منطقه ۱۸، از جنوب به منطقه ۲۰، از شرق به منطقه ۱۶ و از غرب به شهرستان اسلامشهر محدود می‌شود.
مساحت: ۹ هزار و ۲۱۴ هکتار
تعداد نواحی: ۵ ناحیه ولی ۳ ناحیه در بافت شهری و ۲ ناحیه در خارج از محدوده قانونی شهر تهران قرار دارد.
تعداد محله‌ها: ۱۴ محله از جمله بهمنیار، خانی‌آبادنو شمالی و جنوبی، شریعتی شمالی و جنوبی، عبدالآباد، شکوفه، نعمت‌آباد، صالح‌آباد، دولتخواه شمالی و جنوبی، اسماعیل‌آباد و اسفندیاری.
اماکن شاخص: مرقد مطهر امام راحل (ره)، بهشت زهرا (س)، بوستان بزرگ ولایت، کوره‌های آجرپزی، دانشکده شریعتی، دانشگاه آزاد شهری، دانشکده بین‌المللی دندانپزشکی پردیس، میدان مرکزی میوه و تره‌بار و مرکز خرید و فروش همگانی خودرو.
جمعیت: ۲۸۷ هزار و ۲۴ نفر
تعداد زنان: ۱۲۵ هزار و ۳۳۰ نفر
تعداد مردان: ۱۳۰ هزار و ۲۰۳ نفر
تعداد خانوار: ۷۷ هزار و ۷۶۴

۱۸ منطقه

موقعیت: منطقه ۱۸ از شمال به مناطق ۹ و ۲۱، از شرق به منطقه ۱۷، از جنوب به منطقه ۱۹ و از غرب به شهرستان اسلامشهر محدود می‌شود.
مساحت: ۸ هزار و ۸۳ هکتار که ۳ هزار و ۷۸۹ هکتار در محدوده شهری و ۴ هزار و ۲۹۴ هکتار در حریم قرار دارد.
تعداد نواحی: ۷ ناحیه که ۵ ناحیه در بافت شهری و ۲ ناحیه در خارج از محدوده قانونی شهر تهران قرار دارد.
تعداد محله‌ها: ۱۸ محله از جمله شهرک ولی عصر (عج)، شهید رجایی، یافت‌آباد، هفده شهریور، نوروژآباد و...
اماکن شاخص: امامزاده زید (ع)، روستای ترشینه، بوستان قائم (عج) و...
جمعیت: ۴۱۹ هزار و ۴۴۹ نفر
تعداد زنان: ۲۰۵ هزار و ۷۳۱ نفر
تعداد مردان: ۲۱۳ هزار و ۵۱۸ نفر
تعداد خانوار: ۱۳۰ هزار و ۴۰۵

۲۰ منطقه

موقعیت: منطقه ۲۰ از شمال به مناطق ۱۶ و ۱۹، از شرق به منطقه ۱۵، از غرب به بزرگراه خلیج فارس و حریم منطقه ۱۹ و از جنوب به کهریزک و ورامین محدود می‌شود.
مساحت: ۱۷۸ کیلومتر مربع که ۲۳ کیلومتر مربع در محدوده شهری و مابقی در حریم منطقه قرار دارد.
تعداد نواحی: ۶ ناحیه
تعداد محله‌ها: ۲۰ محله از جمله صفاییه، حمزه‌آباد، سیزده آبان، دولت‌آباد، استخر، عباس‌آباد و...
اماکن شاخص: حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، بی‌بی‌شهربانو، چشمه‌علی، بقعه جوانمرد قصاب، ابن‌بابویه و...
جمعیت: ۴۵۲ هزار و ۷۴۰ نفر
تعداد زنان: ۲۲۳ هزار و ۹۰۹ نفر
تعداد مردان: ۲۲۹ هزار و ۸۳۱ نفر
تعداد خانوار: ۱۳۵ هزار و ۳۴

